

معرفی سکه های دوره ساسانی

شیوا طلوعی چرانی

صفحه	فهرست مطالب
۳	چکیده
۴	مقدمه
۶	فصل اول: ساسانیان
۹	فصل دوم: سکه های ساسانی
۱۴	۱-۲ اجناس و معیار وزن
۱۹	۲-۲ نوشته ها و تاریخ نگاری
۲۲	۲-۳ ضربخانه ها
۲۶	فصل سوم: سکه های پادشاهان ساسانی
۵۳	نتیجه گیری
۵۴	منابع و مأخذ
۵۵	نمونه ای از تصاویر سکه های ساسانی

چکیده :

در این تحقیق در مورد سکه های دوره ساسانیان و از اهمیت این موضوع که نه تنها در امور اقتصادی و مالی آن دوره تأثیر داشته ، بلکه از تأثیر آن در فرهنگ و تمدن و یا تأثیر فرهنگ بر نقش روی سکه ها نیز سخن به میان آمده و اینکه آیا سکه نقشی در زندگی پادشاهان ساسانی داشته است و چرا با روی کار آمدن هر پادشاه نقش روی سکه تغییر می کرد و آیا شده که با اتمام پادشاهی یک فرد و روی کار آمدن فرد دیگری هنوز سکه قبل در بازار معامله شود و اینکه بدانیم آیا از سیمای زنان در سکه ها استفاده می شده یا نه ؟

میتوان این طور بیان کرد که شاید تصاویر پادشاهان روی سکه ها بیانگر مدت حکومت آنها بوده و هر پادشاه با سکه ای که ضرب می کرد خودش را به مردم معرفی می کرده و شاهی خود را به اثبات رسانده و شاید می خواستند زمان به تخت نشستن خودشان را مشخص کرده باشند. به هر حال با تغییر سیمای روی سکه ها خودکامگی و استقلال خود را به نمایش گزارده و اینکه هر پادشاهی که سلطنت می کرد هرگز نمی توانست سکه پادشاه قبلی و یا هر پادشاه دیگری غیر از خود را تحمل کرده که این ممکن است سیاست پادشاهی آن دوره باشد. در رابطه با سیمای زنان بر سکه ها باید بگوییم که این بر میگردهد به این موضوع که آیا زنان در سلسله ساسانیان به تخت شاهی نشسته اند و اگر به سلطنت رسیده اند باید سکه ای از سیمای آنان را نیز ببینیم (طبق رسم شاهی) وگرنه ممکن است که اصلاً زنان حق دخالت در امور کشوری را نداشته باشند و شاید عصر زنده به گور کردن دختران به طور کامل برچیده نشده باشد که باعث شده زنان قشر محروم جامعه باشند. به هر حال این مطالب فرضیاتی بودند که بنده بیان نموده ام.

در این تحقیق از روش کتابخانه ای و به گونه ای توصیفی - شناختی و از کلید واژه هایی نظیر : مسکوکات ، ساسانیان ، نقش برجسته ، آتشگاه ، ضرب سکه ، جنس و شکل سکه ، طرح سکه ، اهورامزدا و امثال این کلمات استفاده شده است.

مقدمه :

سکه چیزی که هر روز با آن سر و کار داریم ولی کمتر در مورد آن می دانیم. امروزه بیشتر به عنوان یک ابزار معاملاتی به آن می نگرند ، اما اگر به گذشته سکه برگردیم تصاویر روی آن بیانگر تمدن و فرهنگی است که ریشه در گذشته بسیار دور ما دارند. سکه که از گذشته تا به امروز تفاوت زیادی کرده و از جنس و طرح های مختلف تشکیل شده ، به عنوان مثالی خیلی بارز اینکه سکه ها در قدیم بیشتر از جنس فلز بود و در جایی به نام ضربخانه ضرب می شد ولی اکنون علاوه بر فلز از کاغذ بیشتر استفاده می شود و بعنوان اسکناس در جایی به نام چاپخانه تهیه می گردد و نکته مهم اینکه هر کشوری حق چاپ آن را نداشته و درجهان امروزی فقط چند کشور هستند که اجازه چاپ آن را برای کل کشورهای دنیا دارند، مثل انگلیس و...

از شکل ظاهری آنها کاملاً مشخص است که چقدر فرهنگ و تمدن هر دوره بر روی آنها تأثیر گذاشته و نه تنها در امور مالی و اقتصادی بلکه در امور سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیر لازمه را داشته است.

در این مجموعه شاید به ظاهر مطالب تکراری به نظر بیایند ولی اگر به ژرف موضوع پی ببریم و خوب مطالعه کنیم خواهیم دانست که نکات ریز و کلیدی در آن وجود دارد.

به طور کلی در این تحقیق از واژه سکه و مسکوکات زیاد استفاده گشته و این دلیل برآن است که اصطلاح دیگری به جای این کلمات نداشته و چون واژه ای بوده که بیشتر در دوران قدیم و اکثراً برای فلز (سکه های فلزی) بکار برده می شد ، ولی کلمه پول (اسکناس) چون یک واژه جدید و به روز و به نوعی عادت شده که بیشتر برای پول های کاغذی استفاده می شود.

در این تحقیق که از سه فصل و چندین بخش و همراه با تصاویری از سکه های دوره ساسانی تشکیل شده است ، سعی بر آن گردیده که ضمن معرفی ساسانیان و چگونگی تشکیل دولت ساسانی ، از سکه های تک تک شاهان این دوره ، از تغییرات و چگونگی آنها ، از تفاوت و شباهت های موجود بر سکه های شاهان ، اعم از جنس ، شکل ، طرح و نوشته های روی آن و حتی از ضربخانه ها و ضرب سکه ها مطالبی ارائه شود .

در این مجموعه از کتابها و آثار نویسندگان بزرگ تاریخ و از تصاویر سکه های موجود در کتابها استفاده شده ، هرچند در جمع آوری این مطالب با مشکلاتی همچون متفاوت بودن سال پادشاهی

برخی از شاهان این دوره در کتاب های مختلف نویسندگان مواجه گشته و در این خصوص سعی بسیاری در تطبیق این سالها شده است.

به هر حال مطالب و اطلاعاتی که در این تحقیق ارائه گردیده ، سعی بر آن شده که به نحوی خلاصه و در عین حال مفید و جامع به عمل آید.

فصل اول

ساسانیان

ابتکار اتحاد ایران چارچوب یک حکومت واحد ، پس از تغییر دولت پارت ، ازپارس آغاز شد ، اینجا زمانی نخستین مرکز دولت های هخامنشی بود. (ادوین آریدوویچ، گرانتوسکی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶)

بر آمدن دودمان ساسانی را میتوان نه تنها مبارزه ی پیروزمندانه یک پادشاه کوچک پارس (امروزه استان فارس) با سیادت پارتیان ، بلکه با انبوه پادشاهان همسایه دانست. در مورد تشکیل دولت ساسانی و یا هر اطلاع دیگری که بخواهیم از این دوره داشته باشیم میتوانیم از طریق منابع مختلف و یا سکه هایی که پادشاهان محلی ضرب کرده بودند ، چیزهایی را کسب کنیم. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷)

در رابطه با خاستگاه ساسانیان که باید بگوئیم پارس که در زمان سلوکیان دارای استقلال سیاسی مشخصی بود ، بعدها که در قلمرو پارتها قرار گرفت دارای حقوق یکی از شاهنشین های تابع آن حکومت گردید. فرمانروایان این منطقه در حدود سده ی دوم ق.م. به « شاه» ملقب شدند. برای خود سکه زدند از نقوش روی سکه هایشان چنین بر می آید که آنها سنت های سیاسی پارسیان باستان را نگاه داشته بودند ، به آتش مقدس احترام می گذاشتند ، و خدای بزرگ زرتشتیان را که اهورامزدا بود ، ستایش می کردند. آخرین دودمانی که در زمان آرشاک در فارس فرمان می راندند بازرانگید و آخرین شاه این دودمان گوچهر به شمار می آید. مرکز پارس ، استخر بود (نزدیک پرسپولیس). پارس از چند فرمانداری تشکیل میشد ، فرماندار یکی از این شهرها ، بابک از دودمان ساسان بود ، او که در عین حال کاهن معبد بزرگ آناهیتا بشمار می آمد به سال ۲۰۸ م یا (۲۰۹ م) قدرت شاهی پارس را بدست گرفت. گوچهر راسرنگون کرد و اوراکشت ، پس از مرگ بابک (۲۲۲ م) پسرش اردشیر ، دامنه قدرتش راگسترش داد و چند استان مجاور پارس مانند: کرمان و خوزستان را گرفت و چند شاه نشین کوچک دیگر را که جزو قلمرو پارتها بودند به مترفات او ملحق کرد ، اردوان پنجم را شکست داد. بی درنگ پس از این اقدام به سال ۲۲۶ م و یا (۲۲۷ م) اردشیر به عنوان شاهنشاه ایران تاجگذاری کرد. (ادوین آریدوویچ، گرانتوسکی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷-۱۵۶)

بیشتر پژوهشگران ، در تبعیت از تاریخ عربی طبری پذیرفته اند که ساسان نیا و پاک پدر اردشیر ، پایه گذار دودمان ساسانی بوده اند. (احسان ، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷)

اینگونه دولت ساسانی تشکیل شد، پایتخت دولت ساسانی را شهر دوتایی کنار دجله یعنی تیسفون- سلوکید(به وه اردشیر تغییر نام داد) قرار داد. (ادوین آریدوویچ، گرانتوسکی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶)

تیسفون، در جلگه بین النهرین، تختگاه اصلی و اداری امپراتوری ساسانی بود، اما در تابستان در بار بهار تفاعات خنک فلات ایران نقل می کرد. تیسفون در واقع گروهی از شهرها بود و مجموعه

آنها را به سریانی ماحوزا یا به عربی مداین می خواندند که هر دو به معنی شهرها بود. ناحیه تیسفون محل طبیعی برای بنای پایتخت بود، زیرا در اینجا دجله و فرات به هم نزدیک می شدند و نهرهایی آنها را به هم پیوند می داد. راههای بازرگانی از چهارجهت به اینجا می رسید و ثروت بدست آمده از بازرگانی در ناحیه بابل باستانی و بغدادکنونی انباشته می شد. از این گذشته، بیشتر ثروت کشاورزی امپراطوری ساسانی در بین النهرین متمرکز بود و همینطور بیشتر پادشاهان ساسانی در تیسفون تاجگذاری می کردند، اما آداب و تشریفات دیگری نیز ممکن بود در استخر که موطن اصلی ساسانیان در ولایت فارس بود، یا درشیز که محل آتشکده آذرگشنسب در مغرب جبال بود برپا گردد. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۲۲۲-۲۲۱)

استخر به عنوان دومین پایتخت به شمار آمده است. دولت ساسانی به طور کلی همان قلمرو آرشاک ها را به شرح زیر تصرف کرد. ایران با استانهای جنوب غربی آسیای میانه و افغانستان غربی، بین النهرین سفلی و میانه (مردم این سامان در اصل سوریه ای بودند و سورستان نامیده می شد) همسایه بودند. پس از آن که در زمان پسر و جانشین اردشیر یعنی شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱) ساسانیان پیروزیهای نوینی در شرق و غرب (در افغانستان و ماورا قفقاز امروزی) بدست آوردند خود را [شاهنشاه ایران و انیران(غیر ایرانی)] خواندند. در دولت ساسانی قدرت مرکزی که در دست شاهنشاه متمرکز بود، بارها بیشتر از زمان آرشاک ها اهمیت داشت. در زمان اردشیر اول شاهان تابع محلی تقریباً از میان رفتند و به جای آنها اعضای خانواده ساسانیان و حاکمان گماشته منصوب شدند. روند از میان بردن شاهان تابع تا سده های سوم-چهارم ادامه یافت، پس از آن اینگونه شاهان فقط تا اندازه ای در مناطق مرزی غرب و در شرق قلمرو ساسانیان وجود داشتند. اردشیر اول یکی از پشتیبانان دو آتش زرتشتیگری بود، روحانیان زرتشتی با اشراف زمین دار پارسی و قسمتی از اشراف پارتی که در دولت ساسانی نفوذ کرده بودند (دودمانهای سورنیدها و کارتیدها) تکیه گاه حکومت بودند نفوذ کامل دین زرتشت در دستگاه حکومت با واکنش سخت، علیه هلنیسم از سوی ساسانیان، همزمان بود. (ادوین آریدوویچ، گرانوسکی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷-۱۵۶)

بالاخره دولت ساسانی با تشکیل نخستین جامعه فئودالی و تشکیل خودش در سال ۲۲۶ و اتمام و یا سقوط آن در سال ۶۵۲ میلادی جای خودش را به یک نظام درگیری داد، در اصل عربها با شکست ساسانیان به حکومت ۴۲۶ ساله آنها خاتمه دادند. (اردشیر، خدادادیان، ۱۳۸۴، ص ۳۱)

سکه های ساسانی

۱-۲ اجناس و معیار وزن

۲-۲ نوشته ها و تاریخ نگاری

۲-۳ ضربخانه ها

قبل از اینکه به سکه های دوره ساسانی بپردازیم ، می‌خواهیم از پیدایش سکه بدانیم که چرا و از چه زمانی سکه رواج یافت؟ وقتی که انسانها به راز رویش نبات آگاهی پیدا کردند و از مرحله شکارورزی به دوران کشاورزی وارد شدند ، کم کم با استفاده از زمین و کشت و زرع از لحاظ غذا تأمین گردیدند و به فکر رفع مشکلات دیگر افتادند. وقتی که محصولات کشاورزی و سایر امته از میزان احتیاج بیشتر گردید، مسئله مبادله و تجارت پیش آمد و جوامع بشری به این فکر افتادند که مازاد احتیاجات بیشتر را به اقوام مجاور بدهند و از آنها مواد مورد احتیاج خود را بگیرند. کم کم که این امر وسعت پیدا کرد ، دیگر تجارت پایاپای مشکل و غیرممکن گردید. به همین جهت انسانها در فکر تهیه وسیله ای افتادند که این مشکل را رفع کنند . ابتدا از قطعات چوب یا سنگ های کمیاب و فلزات و اشیاء دیگر برای حل این مشکل استفاده کردند و بالاخره منجر به ضرب سکه گردید که قرنهاست مورد استفاده واقع شده است. سکه نه تنها تسهیلاتی در امر تجارت بوجود آورده ، بلکه معرف تاریخ و زندگانی (به نوعی فرهنگ) نیز گردیده است. گاه یک سکه و تاریخ و نقش آن تا حدودی زندگی سلاطین ، افکار مذهبی و هنر مردم گذشته را روشن نموده و از این راه کمک بزرگی به محققان کرده است. (احمد، تاج بخش، ۱۳۸۱، ص ۳۷۹-۳۷۸)

در زمان ساسانیان پول ایران بالاترین اعتبار و رواج را داشت یعنی از کرانه رود دجله تا کنار رود سند و از بیابانهای عربستان تا مرز چین رایج بوده و بدینگونه قطعا رایج ترین پول جهان به شمار می رفته است. همه شاهان ساسانی که به پادشاهی می رسیدند سکه به نام خود می زدند و هر سال سکه دیگر رواج میدادند و در آن سکه قید می کردند که در سال چندم پادشاهی ایشان و در کدام شهر زده شده است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۴۶)

باجود چند قرن که از دوره ساسانی میگذرد هنوز سکه های ساسانی را در بازارهای ایران و افغانستان خرید و فروش میکنند و این خود فراوانی پول را در آن زمان می رساند. در ایران سکه زدن از زمان داریوش معمول شده و از پادشاهان اشکانی هم تا اندازه ای سکه های بسیار در دست مردم هست اما سکه های ساسانی از آن هم بیشتر است. (همان، ص ۲۳۶-۲۳۵)

نفوذ سنت سکه زنی در ولایت زادبوم ساسانیان ، یعنی پارس ، بر سکه آنها چندان آشکار است که تأثیر دشمن سنتی آنها در مغرب ، یعنی رومیان. اگر سکه های ساسانی با سکه هایی که در گذشته ضرب شده بودند مقایسه کردند تغییراتی در پیکرنگاری هر دو سوی سکه ، ترکیبات گوناگون آنها ، در پیدایی عناصر تازه و تکریم و تقدیس فزاینده آنها (یا پذیرش سرسختانه آنها همچون سیمایی

تغییرناپذیر) در نوشتار و عنصر کتیبه ای و سرانجام در شیوه و سبک آنها مشاهده توان کرد.
(احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۴۲۹)

سکه برای ساسانیان عمدتاً یک وسیله اقتصادی است و سکه زنی در دوره ای که از ۴۰۰ سال نیز می گذشت از استمرار و ثبات فوق العاده ای برخوردار بوده و همین امر موجب گردید که تأثیر بسیار زیادی هم بر جهان معاصر خود هم بر جهان آینده بگذارد. (همان، ص ۴۳۰)

سکه های ساسانی فی نفسه نیز از اهمیت برخوردارند. در درجه نخست بعنوان سند صنعتگری ساسانی و در درجه دوم، سکه های یادشده با شرح روشنی که از تاریخ مجموعاً ۳۰ پادشاه ثابت شده بدست می دهند که هر یک با تاج ویژه ای که بر سر دارند و تنها سررشته واقعی هستند که ما درباره تمامی گستره هنر ساسانی و مسائل زمانی آن در دست داریم. (همان، ص ۴۳۱-۴۳۰)

در آغاز دوره ساسانی نقش روی سکه ها و مخصوصاً صورت پادشاه بسیار استادانه و دقیق است و اغلب سیمای پادشاه و پیری و جوانی و حالت آن دیده می شود. در روی دیگر نقش آتشدان دستی است که بیشتر در دو سوی آن دو هیربد در حال عبادت ایستاده اند و این نقش در سکه های فرته داران پادشاهان محلی فارس پیش از ساسانیان هم دیده میشود و پیداست که ساسانیان که زرتشتی بوده اند از ایشان که همین دین را داشته اند تقلید کرده اند، منتهی در سکه های فرته داران در طرف چپ هیربد ایستاده و در طرف راست بیرقی است که گویا همان درفش کاویان باشد و در میان آنها برج آتشگاهی دیده میشود در صورتی که در سکه های ساسانیان گاهی هیربدی وجود ندارد و گاهی دو هیربد در دو سوی ایستاده اند و همیشه در میان سکه نقش آتشدان دستی است و نه برج آتشگاه. در سکه های فرته داران سجع سکه به زبان پهلوی و خط آرامی است و در مسکوکات ساسانی نیز نخست زبان پهلوی را به خط آرامی نوشته اند و سپس خط پهلوی را به کار برده اند. در دوره ای که نقش سکه ها چندان خوب و روشن نیست، سجع آنها را هم بد نوشته اند چنان که گاهی درست خوانده نمیشود و گاهی کلمات را غلط و گاهی هم حروف را واژگون نوشته اند. در اواخر دوره ساسانی جزئیات صورت پادشاه را در سکه ها رعایت نمیکرده و صورت پادشاه را تنها با چند خط می نمایانده اند و سبب آن بیشتر این است که سکه را نازک می ساخته اند و جای آن نبوده که ظریف کاری بکنند. از سال ۵۰۰ میلادی به بعد باز نقش سکه ها پست تر شده است چنانکه پادشاهان مختلف را تنها از شکل تاج هایشان میتوان تشخیص داد و جزئیات سیما و صورت شاه در اکثر مواقع ها معلوم نیست. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۷-۱۳۶)

برخی از شاهان ساسانی که دست نشانده و زیردست شاهنشاهان ساسانی بودند حق داشتند سکه بزنند اما با آنکه در آن سکه صورت خود و نام خویش را بکار می برده اند اندازه و عیار آن می بایست مانند مسکوکات شاهنشاهان باشد. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۳)

سکه های ساسانی دو فایده بسیار مهم برای تاریخ دارند، یکی آنکه بر روی هر سکه ای نقش پادشاهی که به نام اوزده شده هست و شاهنشاهان ساسانی هر یک تاجی جداگانه و جامه ای جداگانه داشته اند و بهترین راهنمای ما برای پی بردن به آن همین نقش سکه هاست. از سوی دیگر در هر سکه ای تاریخ زدن آن معلوم است و بدینوسیله میتوان اغلب خطاهای مورخان را اصلاح کرد و آغاز و انجام و مدت پادشاهی شاهنشاه ساسانی را بدین وسیله قطعاً بدست آورد. (همان، ص ۳۸۱)

پس از استیلای تازیان بر ایران تا مدتی پولی که در ایران رواج داشت همان مسکوکات ساسانی بود و چنان می نماید که تازیان مقصود از سکه و نقش و سجعی را که روی آن هست نمیدانستند و متوجه نبودند که آن نقش صورت شاهنشاه ساسانی و آن سجع نام اوست و هرشاهی که می آمد نقش و سجع سکه را تغییر میداده است و شاید هم چون مردم این کشورهای پهناور از سالیان دراز به سکه های ساسانی عادت کرده بودند و به عیار آنها اعتماد داشتند تازیان می ترسیده اند که اگر ظاهر سکه تغییر بکند اعتبار آن هم از میان برود این است که عیناً سکه ساسانیان را تقلید میکردند و از نو می زده اند. نه تنها سکه هایی با تصویر و نام یزگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی زده اند بلکه سکه های هر مزد چهارم و خسرو دوم پرویز را هم تقلید کرده اند و حتی در بخارا سکه هایی با تصویر و نام بهرام پنجم زده اند و بدینگونه تا زمان عبدالملک بن مروان که از ۲۷ رمضان سال ۶۵ تا ۱۳ شوال سال ۸۶ هجری خلافت کرده است همان سکه های ساسانی را تقلید میکردند بدین معنی که تا زمان معاویه هنوز سکه نو زده بودند در زمان معاویه هم که سکه زدند همان نقش های ساسانی را تقلید کردند و نام پادشاه ساسانی را همچنان به خط پهلوی نوشتند حتی نام معاویه را به همان خط روی سکه نقش میکردند. سپس در زمان عبدالملک بن مروان بار دیگر به همین ترتیب سکه ها زدند و نام عبدالملک را به خط پهلوی روی آن نقش کردند و حتی هر عاملی از تازیان که در هر ناحیه ایران سکه ای به همین ترتیب میزد نام خود را به خط پهلوی روی سکه نقش میکرد.

پس از آنکه مسکوکات ساسانی در نواحی دیگر منسوخ شد و خلفا به نام خود سکه زدند باز در طبرستان تا چند قرن چه عمال خلفا و چه پادشاهان و امیران محلی سکه های خود را به خط و زبان پهلوی می زده اند و گویی مردم طبرستان به سکه ای که بدین خط و زبان نبوده است اعتماد نمیکرده اند چنان که تا سال ۱۶۱ تاریخ طبرستان که مطابق با سال ۱۹۵ هجری است به نام مأمون و

وزیرش فضل بن سهل در طبرستان به خط و زبان پهلوی سکه زده اند و نیز اسپهبدان و پادشاهان محلی نواحی مختلف آن سرزمین خط پهلوی را در سکه های خود بکار برده اند و تا قرن پنجم هجری هنوز در این ناحیه به خط پهلوی سکه میزده و گاهی هم کتیبه می ساخته اند. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۴۹-۴۸)

درکل در رابطه با سکه های ساسانی باید بگوییم که منبع گرانبهایی از اطلاعات درباره تاریخ، فرهنگ و حیات اقتصادی آن دوره است. و اینکه ساسانیان روشهای ضرب سکه خود را از اشکانیانگرفتند، و تغییراتی که در چهره سازی سکه های آن دوره پدید آمد از سنت ملی ایران سرچشمه گرفت.

و ویژگی های کلی سکه ها این است که نیمرخ راست پادشاه برخلاف اشکانیان که نیمرخ چپ را میزدند، ضرب می شده و بر پشت سکه ها همواره نقش آتشگاه دیده میشود که از آن شعله برمیخیزد. نقش پشت سکه ها به سه شکل دیده میشود. آتشکده تنها، آتشگاه با دو تصویر جانبی، نیم تنه ای که از میان شعله چهره می نماید. همه شاهان آن دوره تاج بر سر داشته و دوائر نقطه چین در حاشیه سکه ها دیده میشود و در آخر بگوییم که رواج دهنده سکه های طلا خود ساسانیان بودند و به این ترتیب سنت دوره هخامنشی را زنده کردند. (محمدباقر، وثوقی، ۱۳۸۳، ص ۸۲)

بخش ۱-۲

اجناس و معیار وزن

در مورد معیار وزن و انتخاب اجناس ، ساسانیان نخست دقیقاً سنتهای موجود را نگه داشتند. در احم سیمین برابر وزن سکه های آتیک که حتی در دوره پارتیان نیز رایج ترین سکه بود، جنس اصلی سکه های دولت ساسانی گردید. در سراسر دوره ۴۰۰ ساله فرمانروایی ساسانیان، هم وزن در احم که میتوان گفت دقیقاً ۴ گرم بود ، هم زیبایی فلز آن بخوبی حفظ گردید. سکه های نیم گرمی تنها در آغاز یافت میشود و ضرب سکه هایی با این وزن نوآوری در سکه زنی بود، اما بعدها زدن آنها متوقف گردید. اوبولها و نیم اوبولها، عمدتاً در ارتباط با اعطای منصب شاهی ، سکه های ویژه ای هستند. زیرا سکه هایی بودند که برای دادن عطا یا و پراکندن در میان مردم به کار می رفتند . چهار در احمیهای ناخالص و غشدار (نقره ای آمیخته به فلزی پست تر) که میراث دوره اشکانی بود و در پادشاهی اردشیر یکم هنوز به تعداد فراوان ضرب میشد. در پادشاهی بهرام دوم (آخرین ضرب شناخته شده) متوقف شد. پس از کوشش های نخستین برای ضرب سکه های میسنی با عیار بالا و واحد کوچک ، فلز مس کمابیش پایگاه خود را که فلزی رسمی برای سکه زنی باشد به کلی از دست میدهد. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۴۳۵)

در مورد ضرب سکه های طلا باید بگوییم که ساسانیان با ضرب مسکوکات زرین که اشکانیان آنها را بکار نمی بردند، سنت دوره هخامنشی را دوباره زنده کردند. اما در دوره ساسانیان زر را عمدتاً برای آوازه و اعتبار و ضرب سکه های پر زرق و برق نمایی بکار می بردند که در بسیاری موارد به نمونه های ویژه ای از انواع سکه های رومی پیوستگی داشتند. این سکه ها عبارتند از: دینار که برابر است با آنورئوس رومی ، و دینار نووزن که برابر است با سولپروس (solidus ، سکه های طلای رومی که در عهد قسطنطنین یکم کعمول شد و تا سقوط امپراتوری بیزانس رواج داشت. ارزش آن قریب ۳/۰۲ دلار بود. نقل از دایرة المعارف فارسی، ۱۳۷۷/۱ م) که در نتیجه آن ضرب دینارهای قدیم در $\frac{1}{4}$ برابر وزن دینار تازه ادامه یافت. به سکه های یک سوم دینارها و پاره ای از اجناس خرد آن که تاکنون مبهم و ناشناخته مانده پس از یزدگرد یکم برخورد می کنیم و گذشته از این در پادشاهی کوادیکم سکه هایی ضرب می شدند که واحد آنها یک ششم دینار بود. اوضاع و شرایط حاکم بر سکه های زرین که برخی از پادشاهان اصلاً به ضرب آن نپرداختند، چنان که باید مورد بررسی قرار نگرفته اند که بتوان درباره آنها نظر قطعی داد. دینارهای بهرام ششم چون آشکارا از سکه های بیزانس تأثیر گرفته اند مورد غیرعادی پیش می آوردند. پس از خسرو دوم ضرب مسکوکات زر متوقف گردید. (همان، ص ۴۳۶-۴۳۵)

بطور کلی باید بدانیم که در این دوره سکه های زر و سیم هر دو موجود بوده و مفرغ هم می زده اند ولی باید بگوییم که سکه های زر آنها بسیار کم بدست می آید و سکه های مفرغ نیز از آن کمیاب تر است . و دلیل آنها ممکن است این باشد که سکه زر کمتر رواج داشته و سکه مفرغ نیز کمتر توسط مردم اندوخته می شد و یا در جایی نگاه نمی داشته اند و به همین جهت زیرخاک نمانده است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۴۷)

البته ساسانیان سکه های مس و ممزوج مس و مفرغ (برنج) و نقره هم داشته اند. (حسن، پیرنیا، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱)

سکه های نقره آنها به مراتب بیشتر است و این هم دلیل بر این است که در همان زمان ها نقره در ایران رایج و فراوان تر بوده و سکه نقره بیشتر زده اند. وزن و عیار سکه های ساسانی عیناً مانند مسکوکات اشکانی است اما اندازه سکه های ساسانی اندکی بزرگتر است زیرا که نازک تر از قالب بیرون آورده اند. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۶)

سکه های طلا ظاهراً حد معینی نداشته و مقید نبوده اند که از اندازه معینی تجاوز نکنند زیرا که تا کنون مسکوکاتی که بدست آمده با هم اختلاف فراوان دارند. اما درهم های نقره تقریباً به همان اندازه درهم های زمان اشکانیان و وزن آنها از $3/65$ تا $3/94$ گرم است. پول مفرغ شامل سکه های نیم درهمی و یک دانگی یعنی یک ششم درهم و نیم دانگی یعنی یک دوازدهم درهم بوده است. با وجود این در میان سکه های مفرغی نیز اختلاف است و گاهی از این حدود تجاوز میکنند. (همان، ص ۴۸)

در حالت کلی سکه های زر را دینار می گفتند و این کلمه که در سراسر دوره خلفا نیز رواج داشته و به زبان تازی هم رفته و آن را [دنانیر] جمع بسته اند. از کلمه دناریوس *denarius* زبان لاتین آمده که نام پول رومیان باشد و سکه نقره را هم درخم یا درهم می گفتند و آن نیز به زبان تازی رفته و [دراهم] جمع بسته اند. و در فارسی کلمه را مخفف کرده [درم] هم گفته و آن مأخوذ از کلمه یونانی [درخمی] *derkhame* است که نام پول یونان بوده است. (همان ، ص ۳۸۱)

و با این عنوانی مسکوکات نقره ساسانی همان درخم است ولی از تتبعات محققین چنین بر می آید که در زمان آنها کلمه درخم استعمال نمی شد و سکه نقره را [زوز] یا کرشه می نامیدند. سکه نقره نزدیک به یک مثقال وزن و تقریباً از ۳۲ تا ۳۵ شاهی به پول امروزی قیمت داشت. ظن قالب این است که پول مسین را معا می نامیدند (لغت معا سامی است) . مسکوکات ساسانی از حیث ظرافت جالب توجه است و تصور می کند که استادان یونانی در ضربخانه های ایران کار می کند. (حسن، پیرنیا، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱)

از نخستین شاهنشاهان ساسانی هم دینارهای طلا به دست است و چنان می نماید که در دوره ساسانی نخست سکه های طلایی به میزان و عیار مسکوکات امپراتور روم زده اند و سپس گاهی سکه ای را بزرگتر و گاهی کوچک تر کرده اند. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۱)

اما درهم های نقره تقریباً در سراسر دوره به همان وزن و عیار روز اول باقیمانده است و معمولاً یا درهم ساسانی را معادل ۷۵ درصد فرانک زر دانسته اند.

در مورد تفاوت خاصی که در میان درهم های ساسانی با درهم های اشکانی هست، این است که سکه های اشکانی کلفت و کوچک و سکه های ساسانی نازک و درشت است و این می رساند که در دوره ساسانیان وسیله نازک کردن و کوبیدن نقره بهتر از وسائل دوره اشکانیان بوده است.

در رابطه با اجزای درهم که نخست اسپتر بوده است که چهار یک درهم ارزش داشته و این اصطلاح تا دوره اسلامی در ایران مانده است. چنان که فرهنگ نویسان در کلمه اسپتر می نویسند: وزنه ای که معادل شش درهم و نیم است و ظاهراً کلمه سیر کنونی مخفف همین کلمه اسپتر است که اسپتر هم آمده و گویا این کلمه اسپتر و سیتتر هم از لفظ ستاتر stater از زبان یونانی گرفته شده است. (همان، ص ۳۸۲)

پس از آن سکه نیم درهمی بوده که گویا آن را سه دانگ می گفتند و یک ششم درهم که دانگ می گفته اند و یک دوازدهم درهم که گویا نیم دانگ می گفته اند و در زبان تازی هم که این کلمه را برده و معرب آن را [دانق] و جمع آن را [دوانق] و [دوانیق] استعمال کرده اند، تصریح کرده اند که به معنی شش یک درهم است.

کوچکترین سکه ای که معمول بوده و نمونه های آن بدست است، پیشیز نام داشته و این اصطلاح تاکنون در زبان فارسی مانده و به معنی کوچکترین پول و چیز بسیار بی قدر و بها بکار می رود و به معنی پول قلب نیز گرفته اند و شاعران معنی فلس ماهی که در زبان معمولی پولک می گویند هم بکار برده اند. (همان، ص ۳۸۵)

و همین طور سکه های طلای ساسانی در زمان شاپور اول و دوم موافقتی با مسکوکات طلای رومی داشته ولی بعدها وزن سکه های طلا مختلف بود. (حسن، پیرنیا، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱)

نخستین سکه های دوره ساسانی مخصوصاً مسکوکات اردشیر بابکان را بسیار ظریف ساخته اند و این ظرافت به تدریج از بین می رود تا به زبان شاپور دوم می رسد و در این زمان به تدریج بزرگتر و نازکتر می شود. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۷-۳۸۸)

لازم به ذکر است که بگوییم از میان پادشاهان ساسانی تنها اردشیربابکان سکه هایی از مخلوط مس و قلع و سرب زده اند. برخی از سکه شناسان اروپایی نوشته اند که سکه های ساسانی را پس از ساختن دوباره وزن می کرده اند و اگر بیش از اندازه بوده است آن را سوراخ می کرده و آنچه را که از وزن معمولی سکه بیشتر می بوده ، بدینوسیله برمی داشتند و اینکه برخی از سکه ها سوراخ دارد ، از همین جاست . ظاهراً این نکته نادرست است و چون اروپاییان متوجه این نکته نبوده اند که در ایران سکه طلا و نقره را به جای زیور به کار می برده و سوراخ می کرده اند که گردن بندو دستبند و طوق و زیورهای دیگر از آن درست کنند این عقیده نادرست را اظهار کرده اند. (سعید، نفیسی ، ۱۳۸۳، ص ۳۹۱-۳۹۲)

بخش ۲-۲

نوشته ها و تاریخ نگاری

تاریخ سکه های شاهنشاهان ساسانی سال های سلطنت آنهاست (مثلاً روی یکی از سکه های انوشیروان نوشته شده چهارچهل یعنی چهل و چهارم) خط و زبان پهلوی است ولی (هوزوارش) دارد یعنی بعضی از کلمات را به لغت آرامی می نوشتند ولی به پهلوی می خواندند. روی سکه ها عبارتی ، شاه را معرفی می کرد بعد از انقراض ساسانیان مدتی در ایران و ممالک همجوار سکه های ساسانی رواج داشت ، ولی روی آنها به جای صورت شاه و آتشکده و بسم الله نوشته می شد و هم اینکه در زمان ساسانیان مانند زمان اشکانیان پایه پول نقره بود.(حسن، پیرنیا، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳)

در کل تاریخ نگاری به گونه ای تاریخ گذاری که مبدأ آن سال پاپک بود رواج نیافت، بلکه شیوه دیرینه آن برحسب سالهای سلطنت يك پادشاه یا گاهشماری سلوکی که با ۳۱۲ ق م آغاز می گشت معمول بود. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۲۱۹)

در اصل تاریخ نگاری ساسانی از سال سوم سلطنت پیروز شروع شد و همیشه تاریخ را مانند همان اشارات راجع به ضرابخانه ها در پشت سکه و در طرف چپ نقش آتشدان ضبط می کرده اند. تاریخ را همواره به حروف نوشته اند و نه به عدد، منتهی اعداد يك رقمی از يك تا نه را به زبان آرامی نوشته اند و بالاتر از ده را به زبان پهلوی و بنا بر معمول زبان های سامی اول آحاد و بعد عشرات نوشته شده و حتی در دوره اسلامی که سکه های ساسانی را تقلید کرده اند ، هر جا که مأت را ثبت کرده اند ، بعد از عشرات نوشته اند . خط این تاریخ ها هم بیشتر روشن نیست و به همین جهت اغلب مشکوک است. بیشتر جاهای مشکوک در باب اعداد دو رقمی است که آحاد آنها يك و سه است. در روی سکه هر پادشاهی سال اول سلطنت او که عموماً سال آخر سلطنت سلف او است ذکر شده و به همین جهت اگر این مدتها را به بهم بیفزایند عددی به دست می آید که گاهی دو سال بیشتر از مدت حقیقی سلطنت آن پادشاه است که به وسیله اسناد دیگر ثابت می شود. چنان می نماید که وسیله رسیدن اخبار مهم در آن زمان بسیار کند بوده و حتی مهمترین خبر یعنی در گذشت پادشاه مدتی به ناحیه دور از مرکز می رسیده ، چنان که گاهی دیده شده است که در شهری مدتی پس از مرگ پادشاهی هنوز به نام او سکه می زده اند ، چنان که درهم هایی با سکه خسرو اول انوشیروان است که تاریخ سال ۴۹ سلطنت او را دارد و حال آنکه وی بیش از ۴۸ سال پادشاهی نکرده است. بدین گونه نمی توان به تاریخی که در روی سکه است اعتماد کرد مگر آنکه با اسناد دیگر و قراین دیگر وفق بدهد. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳ ، ص ۳۸۸-۳۸۹)

در هر سکه ای که تاریخ روی آن نگاشته اند تاریخ را از آغاز سلطنت آن پادشاه گرفته اند و چون شده است که در يك سال پادشاهی در گذشته و پادشاهی دیگر به جایش نشسته است. تاریخ را درست

نمی توان از روی سکه ها بدست آورد. به همین جهت تاریخ دوره ای که در زمان مرگ خسرو دوم پرویز و جلوس یزدگرد سوم است ، بسیار تاریک است. زیرا که در برخی سالهای گذشته از مدعیانی که در شهرهای دیگر بوده اند ، چند تن در پایتخت به سلطنت نشسته اند. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۴)

در دوره ساسانی نخست زبلن پهلوی را به خط آرامی نوشته اند و سپس خط پهلوی را بکار برده اند و همین که زمانی نقش سکه ها چندان خوب و روشن نیست ، سجع آنها هم بد می شده استو نمی شد درست خواند و البته گاهی مواقع کلمات را غلط یا واژگون می نوشتند. (همان ، ص ۲۳۷)

در کل نوشته های سکه ها به پهلوی ساسانی است و بر روی سکه نام و لقب پادشاه نقش می شد و پس از پادشاهی بهرام چهارم محل ضرب سکه نیز قید می شده است. مضمون نوشته مسکوکات تا دوره بهرام پنجم تقریباً یکسان می شد. اینچنین نوشته می شد [مزداپرست، خدایگان (نام پادشاه) شاهنشاه ایران که از نسل ایزدان است] و اینکه خط پهلوی بکار رفته و سکه ها تا زمان خسرو انوشیروان به خط پهلوی منفصل است و از این زمان به بعد تبدیل به خط پهلوی متصل می شود. (محمدباقر، وثوقی، ۱۳۸۳ ، ص ۸۳-۸۲)

و آخرین مطلب این است که باید بگوییم کاملترین و درازترین سجع سکه ای که دیده شده از هرمزد اول است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۴۷)

بخش ۲-۳

ضرابخانه ها

بهتر است بگوییم در کل یک سکه خوب سکه ای بوده است که به طور کامل ضرب شده باشد ، کلمات و حروف از بین نرفته باشد، خوانا باشد و سوراخ یا لحیم آن آنچنان نباشد که مانع قرائت سکه گردد. و نکته جالب توجه اینکه وزن خود سکه همیشه معادل فلز هم وزن خود بعد از وزن سه درصد مخارج ضربخانه ارزش داشت و اینکه قدرت نظامی ، سیاسی و اقتصادی ضارب سکه اعتبار آن را تضمین می کرد.(احمد، تاج بخش، ۱۳۸۱، ص ۳۷۹)

در مورد ضربخانه ها و یا به گونه ای سکه خانه های دوره ساسانی که مسکوکات را در آنجا ضرب و نقش می کردند، باید بگوییم که از همان آغاز ، حکومت مرکزی در کار سکه زنی نظارت دقیقی می کرده است. بی گمان بخش اساسی این سازمان بندی برگرفته از اشکانیان ، زادبوم ساسانیان ، یعنی فارس (پارس) و نیز از نمونه سکه های رومی بوده است. شمار سکه خانه ها تغییر می کند. در آغاز شاید بیش از سه سکه خانه وجود نداشته است ، اما در سده چهارم میلادی ، با سفرهای جنگی شاپور دوم به مشرق سکه خانه های زمان جنگ نیز پدید آمدند که یکی از آنها دقیقاً در افغانستان کنونی قرار داشت. با پیشینه های منفرد در پادشاهی های بهرام یکم و شاپور دوم که در جریان پژوهش های بیشتر ، نمونه های دیگری نیز مسلماً به آنها افزوده می شود ، نام بردن اجباری سکه خانه ها با پادشاهی بهرام پنجم آغاز می شود. اما این نام ها عمدتاً در شکل نشانه ها (اختصارات) است، و به ندرت نام کامل سکه خانه ها ذکر می شود.

چون چندین سکه خانه دارای اختصارات گوناگونی هستند یا برای يك سکه خانه چندین نام بکار رفته ، و بسیاری از سکه خانه ها برای مدت کوتاهی برپا بوده ، سپس برچیده شده اند و احتمالاً تنها به دلایلی جنگی شکل گرفته بودند. از این روی شمار کل سکه خانه های فعال در سراسر این دوره بسیار کمتر از این بوده است. در زمان ضرب انبوه در اخم ها در ایام جهان داری پادشاهان اخیر ساسانی احتمالاً بیش از بیست ضربخانه در يك زمان دایر نبوده است. تاکنون شناسایی محل های دقیق ضرب سکه در هر محله بر پایه این نشانه ها ممکن نشده است. اما شماری از آنها شناسایی شده اند. (احسان، یاشاطر، ۱۳۷۳ ، ص ۴۳۸)

اکنون طرح و انگاره سکه زنی نسبتاً روشن است. این انگاره نشان می دهد که سیاستی که از مرکز هدایت می شد سال به سال دگرگونی های پایدار در ترکیبات پشت و روی سکه پدید می آورد. بنابراین سیاست ، تصویر و نوشته هایی را که بر سکه نقش می کردند، بسته به موردی که داشته اند ، مفصل یا کوتاه می ساختند. اما با گرایش آشکار به صورت بندی های متعارف ، الگوی تقریباً ریاضی پیدا شده ، در دگرگونی تصاویر سکه ها ، که در آنها مستقل از تاج های ویژه هر پادشاه

است که بر روی سکه ها نقش گردیده همراه با افزایش وقوع تقدیس سازی وسیله ای برای دنبال کردن ردیابی تولیدی که اتفاق افتاده بدست می دهد ، چنانکه در همه جا نیز چنین وسیله ای در اختیار می نهد.

اگر بخواهیم در مورد فرآیندهای ضربخانه ها که از آماده سازی فلز تا باسمه زدن و بیرون فرستادن سکه های کامل و یا اینکه بدانیم که سکه خانه های جداگانه فلز خود را چگونه بدست می آورند ، مطلبی بدانیم. باید بگوییم که هنوز چیزی در این رابطه کشف نشده و یا به گونه ای در مورد جزئیات آنها مطالبی بدست نیامورده. ولی بهتر است بدانیم که مقدار زیادی از فلزی که در سکه زنی بکار می رفته از گداختن سکه های داخلی یا خارجی گذشته. از غنایم و منابع گوناگون دیگر بدست می آمد. جای سخن نیست که این نیز در کمیابی نسبی مسکوکات نخستین ساسانی مؤثر بوده است. از سوی دیگر ، همه سکه ها را بر حسب مشاهده گردش پولی و نیازمندی های دولت ضرب می کردند.

در مورد گوناگونی فراوان نشانه های سکه خانه ها به تنهایی گویای نوسانات زیاد در تولید سکه است که درگیری جنگ در این نوسانات تأثیر فراوان داشته است و اینکه چون بعضی از پادشاهان ساسانی می بایستی مستمری افراد سپاه را نقداً پرداخت می کردند و همین که دگرگونی سنخ و جنس سکه در مورد بعضی از پادشاهان و یا به دلایل دیگر که وجود داشته باعث تولید بیشتر سکه و وجود تعدادی سکه خانه شده است. (احسان، یاشاطر، ۱۳۷۳ ، ص ۴۴۰-۴۳۹)

لازم به ذکر است که در اواخر دوره اموی و اوایل عهد عباسی شمار زیادی از مسکوکاتی که در دست مردم گردش می کردند ، سکه های ساسانی بودند و کیفیت ثابت آنها نشان می دهد که قانون معروف گرشم (تامس گرشم « Gersham » ۱۵۱۹ - ۱۵۷۹ - پایه گذار بورس شاهی لندن. نقل به اختصار از دایرة المعارف فارسی) که می گوید: [پول خوب ، پول بد را از گردش خارج می سازد] تا چند سده در ایران کاربرد ندارد و این مسئله را باید در عرصه تاریخ سکه شناسی به عنوان پدیده با اهمیتی دانست. تنها موارد بسیار اندکی از سکه هایی که عیار پایین دارند شناخته شده است ؛ مثلاً شاپور یکم مبالغی آنتونینیایی روم (یا دو برابر دناری) را که پیداست از غارت بدست آمده بودند و غش زیادی در آن وارد کرده بودند (حدود ۵۰ درصد نقره) باز دوباره سکه زد ، اما چندان نگذشت که این سکه ها از گردش در بازار خارج شدند.

از قرن پنجم میلادی بدین سو گه گاه بر مسکوکات ساسانی نشان ضرب دوباره دیده می شود. اینها نشانه هایی هستند که به ارزش و روایی سکه هایی چون پول رایج ، یعنی گستردگی و محدودیت روایی آن مربوط می گردند و با استثناهایی بسیار کوچک ، از دوره پس از ساسانی آغاز می شود.

چون این نشانه‌ها را دسته‌های سیاسی گوناگون می‌زدند، بازتاب مبارزه قدرتی است که پس از فتح ایران بر دست تازیان درگرفت یا نشان دهنده تلاش‌هایی است که برای سازش با آن، بویژه در مشرق سرزمین ایران انجام گرفته است. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۴۴۱)

گذشته از ضرابخانه‌های متعدد که تقریباً در همه شهرهای بزرگ ایران آن روز مانند اردشیر خره و کرمان، زرنگ، دارابگرد، اصطخر، نیشابور، نهاوند، گنجه، شیراگان [سیرجان کرمان]، ابر شهر، شوش، آذربایگان [آذربایجان]، بلخ، به قباد [در عراق]، سیستان، ری، رشت میشان، هرات، مرو، مرو رود، ارجان، بهرام قباد [در فارس]، بخارا، همدان، بیشابور [در فارس]، نهرتیرا [در خوزستان]، طبرستان و زنگان بوده است. در پاره‌ای از کشورهای وابسته به ایران یا همسایه ایران نیز سکه‌های ساسانی را تقلید می‌کردند. از آن جمله در گرجستان و مولتان که از سال ۵۰۰ م تقلید کردند و در کابل دربار پادشاهان هفتالی یا هیاطله و در گجرات و راجپوتانا تقریباً تا سال هزار میلادی از روی سکه‌های ساسانی سکه زده‌اند، یعنی عیناً به همان قطع و خط و صورت و وزن تقلید کرده‌اند. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۴۷)

گذشته از شهرهایی که تاکنون نام برده‌ایم، یک‌عده اشارات و حروف دیگر هستند که سکه‌شناسان نتوانستند پی ببرند مربوط به کدام شهر است و روی هم رفته تاکنون در سکه‌های ساسانی ۲۱۵ علامت مختلف دیده شده که می‌رساند ۲۱۵ ضرابخانه در ایران بوده و در همه این ضرابخانه‌ها مرتباً سکه می‌زدند، چنان که در سکه‌های کمتر از ده سال ۳۴ علامت مختلف و اشاره به ۳۴ ضرابخانه است و حتی در سکه‌های یک سال ۱۸۱ علامت مختلف و ۱۸۱ ضرابخانه دیده شده است و در ۱۱۹ سکه مختلف از خسرو دوم به ۴۹ ضرابخانه اشاره کرده‌اند. (همان، ص ۳۸۸)

در بیشتر سکه‌های آن دوره علامت مخصوص دیگری هم است که برای امتیاز سکه است و نیز در بیشتر آنها سالی که سکه را در آن زده‌اند و شهری را که سکه در آن زده شده معین کرده‌اند. ظاهراً سکه‌های ساسانی را گویا صنعتگران یونانی ساخته‌اند که خطای ایرانی را درست نمی‌دانستند و به همین جهت است که درست نمی‌نوشتند. (همان، ص ۳۸۴ و ۳۸۳)

در رابطه با ضرب و نقش زنان بر روی سکه‌ها باید ذکر کنیم که نقش‌گردی صورت ملکه را از اشکانیان ممکن است تقلید کرده باشند، زیرا که در سکه فرهاد چهارم پادشاه اشکانی شکل زن او است که موزا نام داشته است، وانگهی سیمای زنان دیگر در نقش‌های برجسته نقش رستم و شیراز و طاق بستان هم است. (همان، ص ۳۹۴)

بخش سوم

سکه های پادشاهان

ساسانی

سکه های اردشیر بابکان (۲۴۱ - ۲۲۶)

از اردشیر چند نوع سکه پیدا شده است ، نوع یکم اردشیر از روبرو تصویر شده است ، اطراف کلاه او مروارید دوزی است و هلال و ستاره بر آن دیده می شود سجع سکه از بالا به پایین چنین است [بگی ارتخستر ملکا] یعنی بغ اردشیر شاه جنس سکه سک درهمی و نیم درهمی است. نوع دوم نیم رخ راست اردشیر با کلاه معروف اشکانی تصویر شده است، در انتهای کلاه دوردیف مروارید دوزی دیده میشود که فاصله میان آن دونیز مروارید دوزی است. موی سردر زیر پوشش کوهی مروارید دوزی پنهان شده است. از کلاه نواری: نام نوار [اشهره وند] آویخته است. نوشته ی روی سکه چنین است [فردسین بگی ارتخستر ملکا ایران] یعنی بغ مزدا پرست اردشیر شاه ایران. در نوع سوم، بر روی سکه سجعش چنین بوده [فردسین بگی ارتخستر ملکان ملکا ایران] یعنی بغ مزدا پرست اردشیر شاهنشاه ایران. سجع نوع دیگر [فردسین بگی ارتخستر ملکان ملکا منوچتری من یزدان] یعنی بغ مزدا پرست اردشیر شاهان شاه ایران که چهار از ایزدان دارد. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۱۰۰-۹۹)

این چهار عبارت یا به گونه ای سجع روی سکه ها، نماینده چهار مرحله از پادشاهی او است. شاید اولی متعلق به دوره ای است که پادشاه محلی فارس بوده و هنوز اشکانیان را بر نینداخته بود و دومی از زمانی است که همه ایران را گرفته بود و سومی و چهارمی از دوره ای است که گذشته از مقام سلطنت، روحانیتی هم برای خود قایل شده است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۳)

در مورد پشت سکه های اردشیر بابکان که در نوع اول تصویر نیمرخ چپ شاپور پسر اردشیر با کلاه پارتی که نقش و نگار آن شامل دوردیف مروارید دوزی که نشان هلال و ستاره است گرد تصویر چنبری از مروارید های درشت دیده می شود. نوشته سکه از راست به پایین: [بره (پوس) بگ ی پاپک ی] یعنی [پسر بغ بابک] آمده است. در نوع دوم: آتشگاه به شکل ستونی حاوی چند پایه عموی که آتشدان بر آن قرار گرفته است. از فراز آتش آن شعله هایی زبانه می کشد. آتشدان بر دو پایه به شکل دست های شیر تکیه دارد که بر دو مجمر نهاده شده است. نوشته از چپ به پایین [نوری (آتخشی) زی (کی) ارتخستر] یعنی آتش اردشیر. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۱۰۱-۱۰۰)

و همینطور در مورد تاج اردشیر که چهار نع مختلف در سکه های خود نمایش داده که قطعاً اولین آنها همان تاج اشکانیان است و سپس تاج های مخصوص به خود ساخته و شاید بتوان گفت هر پادشاهی ناحیه مهمی را که می گرفته ، چیزی به علامت آن بر تاج خود می افزوده است و این چهار

تاج مختلف اردشیر نماینده چهار دوره از بسط قدرت او است و به همین جهت است که این تعداد تاج کم دیده می شود. نخست تاج او نوک تیز بوده و بعد گویی در بالای آن دیده می شود که از این نوع تاج در نقش رستم هم دیده می شود. یادآور شویم که در سکه های اواخر دوره اردشیر همان تاجی دیده می شود که بر روی سر شاهپور هم بود. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۳-۳۹۰)

از اردشیر حداقل پنج نوع سکه مختلف در دست است. از مجموع این سکه ها چنین پیداست که وی قیافه ای مردانه، چشمانی درشت و ابروانی پیوسته و گونه ای برآمده و سیل های بلند و ریشی فرو هشته داشته که بر روی سینه می رسیده است. حمزه اصفحانی از روی کتابی مشتمل بر تصاویر پادشاهان ساسانی بوده، سیمای او را چنین می نویسد که لباس رویی اردشیر دیناری رنگ و شلوار او آسمانی و تاجش سبز در زمینه طلایی و در دستش نیزه ای بوده است.

آخرین سکه او سکه های نوع ششم است که نوشته روی آن چنین می باشد [شاهپور شاه ایران که چهره از ایزدان دارد] نشانه ی شهریار ی شاهپور کلاه ولیعهدی است نه افسر شاهنشاهی و همچنین بر پشت آن آتشکده ی ویژه تاجگذاری اردشیر تصویر شده است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، صص ۱۰۱-۱۰۲)

در ضمن در سکه های اردشیر به تقایید از فراته دارها نقش آتشگاه است ولی در زمان شاهپور اول نقش آتشدان (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۳)

سکه های اردشیر را بسیار ظریف ساخته اند و خود شاهکار صنعتی است و مخصوصاً تفاوت بسیار فاحشی با سکه های بعد ساخت زمان اشکانیان دارد. درهم های سکه این پادشاه خیلی بزرگتر از درهم های اشکانیان است ولی باز از درهم های زمانهای بعد کوچکتر و کلفت تر است و ۲۴ میلیمتر دوره دارد. (همان، ص ۳۸۶-۳۸۵)

و لازم به ذکر است که بدانید از تمام شاهنشاهان ساسانی تنها همین پادشاه بود که سکه هایی مخلوط از مس و قلع و سرب زده و باز تقلید کرده از زمان اشکانیان و پیداست که سکه زدن از این ماده در دوره پادشاهان دیگر منسوخ شده است. این سکه های اردشیر مانند سکه های چهار درهمی اشکانیان است که عیار آنها تنزل کرده بود و تقریباً از یک قرن پیش از اردشیر رواج داشته و این پادشاه همچنان سکه زده است که برزخی در میان پول سابق و پولی که خود می خواسته انتشار دهد می باشد یا در موقعی که بر اشکانیان قیام کرده و حاجت فوری به پول داشته این ها را رواج داده است (همان، صص ۳۹۲-۳۹۱) و از این پادشاه همچنین پول های سیاه در اسناد مختلف دیده می شده است. (همان، ص ۳۸۲)

سکه های شاهپور اول (۲۷۲-۲۴۱)

در مورد سکه های شاهپور اول باید بگوییم که بر سکه های او اهورا مزدا در حالیکه تاج بر سر دارد تصویر شده است. در این سکه ها اهورامزدا و شاهنشاه کنار آتشدان ایستاده اند (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۱۵۵)

باید گفته شود که این آتشدان از زمان شاهپور اول به بعد دیده می شود که تقریباً همیشه در دوسوی آن دو تن به حال عبادت ایستاده اند و آتشدان هم به اندازه قد آن دو تن است که در کنار آن ایستاده اند و احتمال داده اند که یکی از آنها موبدان موبد زمان باشند (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۳)

در مورد تصویر سکه ها لازم به ذکر می باشد که بگوییم تصویر نیم رخ راست شاهپور با افسر شهریاری کنگره داری است که گویی بر لایی آن نصب شده است. از گوی و افسر شاهی نوارهای رو به بالا دیده می شود. دور گردن شده ای از مروارید قرار دارد. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۷۶، ص ۲۰۲)

این گونه سکه های شاهی دارای دو نوع سجع می باشد که یکی [شاه پوهری یزدانی] و دیگر [مزدسین شاه پور هر ملکان ملکا ایران مینو چیتری من یزدا] (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۳)

یعنی پرستنده بغان شاهپور شاهان شاه ایران که چهره از ایزدان دارد (محمد جواد ۱۳۶۷، مشکور، ج ۴، ص ۲۰۲). سجع اول متعلق به دوره ای است که اردشیر زنده بود و هنوز شاهپور به سلطنت نرسیده بود و حکمرانی یکی از نواحی مهم ایران را داشته و به عنوان حکمران آن ناحیه سکه به اسم او زده اند چنانکه گاهی از پادشاهان دیگر هم سکه به این سجع دیده شده است از آن جمله از بهرام اول (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۳) اینگونه سکه ها مربوط به سال تاجگذاری شاهپور است. در رابطه با پشت سکه های این دوره که نقش آتشکده قرار دارد که پایه آن ستونی است بلند که بر پای آتشکده نهاده شده است. در دو سوی آتشگاه دو تصویر با افسر کنگره دار دیده می شود که شمشیر آویخته ای بر کمر و نیزه ای در دست دارند و به خط پارسی میانه بر آن چنین نوشته است: [نورا (آتخش) زی (کی) شهپوهری] یعنی آتش شاهپور. این نکته شایان ذکر است که بگوییم عنوان رسمی شاهپور اول در سکه ها با عنوان وی در سنگ نبشته مطابقت ندارد و در مورد نوع سکه های وی که یک درهمی، چهاردرهمی، یک دیناری و غیره میباشد (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۲۰۲ و ۱۵۵). و اینکه از زمان شاهپور اول تدریجاً درهم های سکه بزرگتر و نازکتر شده و به ۳۴ میلی متر می رسد. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۶)

سکه های هرمزد اول (۲۷۲-۲۷۳)

کمی سکه های هرمزد اول می رساند که وی مدت کوتاهی بر تخت سلطنت بوده است. در نخستین سکه ی هرمزد اردشیر عنوان او چنین آمده است: [مزدسین بگیا او هرمزدی ربا (وزرگ) ملکا (شاه) ارمن] یعنی خدایگان فردا پرست هرمزد شاه بزرگ ارمنستان. و تصویر این پادشاه که نیم رخ راست او بر سکه های وی با افسر شهریاری کوتاهش که چنبره های متحد مرکزی بر گوه بالای تاجک های آن دیده می شود و آرایش مو مجعد است. نوع سکه یک درهمی است و بر آن چنین نوشته شده است: [بغ مزدا پرست خدایگان هرمزد، بزرگ ارمنستان شاه] در سکه ی یک درهمی دیگر چنین آمده است: [مزدسین بگ ی او هرمزدی ملکان ملکا (شاهنشاه ایران و انیران) مینوچتری من (هچ) یزدان] یعنی بغ مزدا پرست، خدایگان هرمزد شاهنشاه ایران و انیران که چهار ایزدان دارد. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۲۱۳-۲۱۲ و ۲۰۵)

در مورد پشت سکه های هرمزد اول نیز لازم به ذکر است که بگوییم بر پشت همه سکه های هرمزد که پیش از ماه مارس سال ۲۷۳ م. ضرب شده بر روی سکه عنوان [بزرگ ارمنستان شاه] دیده می شود و همچنین یک آتشگاه باستون بلند و آتشدان که آتش از آن زباله می کشد و طرف راست این آتشدان تصور هرمزد و سمت چپ آن تصویر میترا (مهر) با حلقه های نورانی برگرد سر او که شعاعها از آن می تابند دیده می شود که میترا حلقه ی شهریاری را به سوی هرمزد شاهنشاه ایران دراز کرده است و همین طور بر پشت سکه ی هرمزد با عنوان کامل شاهی و نشانه ی ولیعهدی تصویر آن شاهنشاه و ایزد آناهیتا دیده می شود، نوشته سکه چنین است: [نورا (آتخش) زی او هرمزدی] یعنی آتش هرمزد. و این تصویر هایی که در پشت سکه های این شاه به چشم می خورد در اصل منظره ی تاج گذاری او را به تصویر کشیده که در آن اهوره مزدا، میترا و آناهیتا، شهریاری کشور را به وی بخشیده اند. (دکتر مشکور، محمدجواد، ایران باستان-تاریخ سیاسی ساسانیان، چ دوم، ج چهارم (بخش اول)، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷، صص ۲۱۳ و ۲۰۶-۲۰۵). و یک نکته ی مهم اینکه از زمان هرمزد اول یک عده سکه هایی از جنس مس بوده که در ناحیه ی جیحون ضرب می شده است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳ ص ۳۸۸).

سیمای هرمزد اول بر روی سکه هایش این چنین بود: صورت کشیده، چهره ای موزون، چشمانی گیرا، بینی کشیده، سبیل بلند و ریشی انبوه و کوتاه داشته است. تاج او کوتاه و کنگره دار که در بالای آن گوی مدوری از پارچه سبز رنگ زربفت قرار گرفته و بر روی گوی نقوش جواهر نشان جای داشته و دورگوی و لبه تاج به مروارید فرین بوده است. پشت گوی و پشت تاج دو نوار موج در

اهتزاز است. بر گوش او گوشواره ای است که دارای آویزی از سنگ های قیمتی است، موهای انبوه وی از زیر تاج بر روی شانه افتاده است. یقه ی لباس که بطور قطع مانند جامه پدرش شاهپور بوده دارای سه ردیف تزئینات از جواهر بوده است (هرمزد گویا تنها شاه ساسانی که فاقد یک دست بوده است). حمزه ی اصفحانی می گوید: هرمزد در صورت و قامت شبیه به اردشیر بود. صاحب مجمل التواریخ و القصص می نویسد که اندر کتاب صور آمده که هرمزد پیراهن سرخ و شلوار سبز و تاج زرد و سبز داشت و در دست راست نیزه و دست چپ سپر داشت. پس همان طور که گفتیم سکه ی هرمزد به دلیل زیبایی اش می تواند او را معرفی کند. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۲۱۴)

سکه های بهرام اول (۲۷۶ - ۲۷۳)

در رابطه با سکه های بهرام اول که تا زمان این شاه عنوان شاهنشاه ساسانی بر روی سکه ها تنها [ملکان ملکا ایران] است ولی از زمان بهرام اول به بعد [ملکان ملکا ایران و انیران] نوشته اند. از نقشی که در روی سکه های این شاه دیده می شود پیداست که به شاهپور اول بسیار شبیه بوده است و همچنین از بهرام اول سکه هایی هست با سجع [ورهران یزدانی] و این کلمه یزدانی تا زمان بهرام پنجم در سکه ها دیده می شود (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۳)

این نکته لازم به ذکر است که بگوییم بهرام اول خود فرمان دادند که بر سکه او عنوان رسمی وی یعنی از [ایزدان اردشیر] یاد شود. تصویر وی بر روی سکه هایش اینطور می باشد که تصویر نیمرخ راست او با افسر شهریاری دیده می شود. آرایش مو به شکل گیسوی محکم بهم بافته است. روی سکه یک درهمی وی این عبارت آمده است: [مزدیسن بغ ورهران ملکان ملکا (شاهان شاه) ، ایران و انیران منوچیتیری من (هچ) یزدان] یعنی: بغ مزداپرست بهرام شاه شاهان که چهر از ایزدان دارد. پشت سکه آتشگاهی است به شکل ستون بلند با آتشدان در دو سوی، دو شخص با شمشیر و کمر ایستاده اند که به دو سوی می نگرند، یکی تصویر خدای میترا و دیگری تصویر شاهپور اول با افسر شهریاری است. نوشته پشت سکه چنین است: [نورا (آتخش) زی ورهران] یعنی آتش بهرام. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۲۳۰)

سکه های بهرام دوم (۲۸۲ - ۲۷۶)

از بهرام دوم چند نوع سکه در دست است. نوع اول آن تصویر نیمرخ راست بهرام و افسر شهریاری بالدار که گویی بر آن قرار گرفته است. از تاجک ها نواری خارج شده و آرایش مومجد

است. نوشته روی سکه چنین: [آیری مزدیسن بگی ورهران ملکان ملکا (شاهان شاه) ایران و انیران منوچتری من (هج) یزدان] یعنی آریایی بغ مزداپرست بهرام شاهان شاه ایران و انیران که چهر از ایزدان دارد. جنس این سکه ها دینار و یک درهمی است. نوع دیگر چنین است: [مزدیسن بگی ورهران زی ملکان ملکا] بغ مزداپرست بهرام شاهنشاه. نوع دیگری: [مزدیسن بگی ورهران ملکان ملکا (شاهان شاه ایران) و انیران منوچتری من (هج) یزتان] یعنی: بغ مزداپرست بهرام شاهنشاه ایران و انیران کسی که چهر از ایزدان دارد. پشت سکه که آتشکده نیز به تصویر کشیده شده است، این نوشته روی آن ضرب شده: [نورا (آتخش) زی ورهران] یعنی آتش بهرام. (محمدجواد، مشکور، ۱۳۶۷، ص ۲۴۹ - ۲۴۸)

در برخی از سکه های بهرام دوم در پشت صورت پادشاه سیمای زنی هست که قطعا می بایست ملکه ایران و همسر او باشد و در برخی دیگر در گوشه راست صورت کودکی هم هست که ناچار می بایست ولیعهد او باشد. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۰ - ۳۸۹)

همچنین باید گفت که بهرام دوم بر پشت سکه های خود همه ایزدان بزرگ آئین زرتشتی را جا داد. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۲۶۷) و در مورد سیمای خود بر روی سکه هایش چنان که دیده می شود و از تصاویر حجاری شده اش معلوم می گردد، این چنین است که شکل تاج در عهد او تغییر کرده و در طرفین تاج دو بال زیبا قرار گرفته است. تاج بهرام دوم تاج مدوری است مزین به دوبرال و روی آن گوی مدوری است که جواهر نشان است و یا به جای جواهر، هلال های بزرگ بر روی گوی مشاهده می شود. بر لبه تاج و اطراف گوی و بال، گوهرهای گرانبها و مروارید به کار رفته است. چهره بهرام بسیار زیباست و دارای ریش نسبتاً کوتاه و سبیلی بلند و بینی متناسب و راست، بر گوش او گوشواره ایست آویزه دار و بر بعضی از سکه ها گردنبندی از مروارید با سنگ های قیمتی و در بعضی حاشیه یقه پیراهن زر دوزی شده و از سنگ های گرانبها تزئین گردیده است، موها افشان در پشت سروگردن قرار گرفته، دو نوار چین دار به وسیله حلقه زرینی به پشت کلاه نصب گردیده است، از اختصاصات بهرام دوم علاقه شدیدی است که او نسبت به خانواده خود داشته و به همین جهت تنها پادشاهی است که هم در حجاری ها و هم بر روی سکه ها نقش ملکه و ولیعهد منقور است، صورت ملکه بسیار زیباست، چهره کشیده، دهانی کوچک، چشمانی درشت و گیرا، چانه ای گرد و بینی متناسب داشته و صاحب دو نوع تاج بوده است و همچنین سکه های بهرام دوم بیشتر شکل کلاه هایی دیده می شود که همانند سر شیر است. (محمد جواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۳۲۲ و ۲۵۱ - ۲۵۰)

سکه های بهرام سوم (۲۸۲)

از زمان اردشیر بابکان تا بهرام سوم همواره پسر جانشین پدر بوده است تا اندازه ای دور از حقیقت می باشد و تصاویر سکه ها هیچیک از این سه بهرام را در عین جوانی نشان نمی دهد. با مطالعه سکه های کم بهرام سوم پیداست که وی در دوران ولیعهدی صورتی بسیار نحیفی داشت، عارضی گرد، چشمانی درشت، گردنی کشیده و ظریف داشته، تاج دوران ولایت عهدی او کلاه بلندی است که به سر گراز یا عقابی منتهی می شود. و یکی از سکه های پدرش حلقه سلطنت را که دو نوار بدان آویخته شده بدست گرفته است. در پشت سکه در کنار آتشدان مقدس روبه روی در ایستاده و حلقه پادشاهی را بر دست گرفته و بالا نگه داشته است. در این یک تصویر کلاه او به همان ترتیب روی سکه است، لباس او شبیه جامه پدر نیم تنه ای بلند و چین دار و شلواری پر از چین که تا پشت پای او را گرفته است. تاج او دارای لبه هایی با دندان های مستطیل شکل فرا گرفته و به جواهر آراسته است، بالای آن گوی مدوری است که از پارچه زر بفتی احاطه شده بر روی گوی گل‌های مثلث شکل از جواهر و مروارید نصب گردیده و دورتاج و گوی بالای آن از یک رشته مروارید احاطه شده است، بین تاج و گوی دو نوار و در پایین پشت سر دو نوار بلندتر در اهتزاز می باشد. در زیر نوار موهای زیاد شاه بر پشت گردن تا شانه ها ریخته است صورتی کشیده، چانه ای پیش آمده، بینی بلند، چشمانی نافذ، سبیلی بلند و ریشی گرد دارد بر گوش او گوشواره هایی آویزان است و بر گردن او گردنبندی از جواهر با مروارید قرار گرفته یقه پیراهن باز است و حاشیه پهن زربفت بر روی شانه چپ قرار گرفته که گلی جواهر نشان بر آن نصب شده است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۲۵۸-۲۵۷)

با این حال از این پادشاه ساسانی سکه به ندرت یافت می شود چون کم سلطنت کرد و لقب سگانشاه داشته است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۴)

سکه های نرسی (۲۸۲-۳۰۱)

سکه های نرسی در دوران ادعای شاهی این چنین بود بر روی سکه تصویر نیمرخ راست نرسی که انتهای آن تیزگوشه و مروارید دوزی بوده است. آرایش مو بشکل گیسوان سخت بهم بافته است که بر شانه ها فرو افتاده است. ریش دسته دسته است، گردنبند او از دو رشته مروارید است نیمرخ راست شهربانو نیز تصویر شده است بر کلاه مرواریددوزی او پرنده ای نقش شده است. نوشته روی سکه چنین است [مزدسین نرسی ملکا (شاه) منو چتری من (هج) یزدان] یعنی: مزدایزست شاه نرسی

که چهره از ایزدان دارد. نوع دوم تصویر نیمرخ راست نرسی با افسر شهریاری بهرام دوم است. نوشته روی سکه چنین است: [مزدسین نرسهی ملکا (شاه)] یعنی: مزداپرست شاه نرسی. این سکه ها نیم دیناری است. نوع سوم، تصویر نیمرخ راست نرسی با افسر شاهی و تاجک های کوچک که گویی بر آن نصب شده است. آرایش مو به شکل گیسوان سخت به هم بافته است که بر شانه ها فرو ریخته، ریش گرد و کوتاه است و نوشته روی آن: [مزدیسن نرسهی ملکا شاه] یعنی مزداپرست شاه نرسی.

در رابطه با پشت سکه های نام برده شده که در نوع اول آتشگاه با ستونی بلند و پایه و آتشدان از قطعه های راست گوشه، از آتشدان شعله زبانه می کشد. در دو سوی آتشگاه دو ستون کوچک با پایه کرووی و آتشدان دیده می شود. نوشته روی آن: [نوار (آتخش) زی نرسه] یعنی آتش نرسی. نوع دوم در پشت سکه دو سوی آتشدان دو شیء نامعلوم دیده می شود که شاید بخورد آن باشد همه این سکه ها مربوط به دوران پیش از پیش از پادشاهی و زمان مبارزه نرسی بخاطر شهریاری ایران است که تصور می رود در اواخر سالهای ۸۰ و اوایل سالهای ۹۰ سده میلادی باشد. نرسی نخستین کسی بود که در دوران شاه دیگر یعنی بهرام دوم به خود اجازه داد که به ضرب سکه مبادرت کند و بر نخستین سکه های طلای خود یعنی در هنگام فرمانروایی ارمنستان صورت خود و همسرش را ضرب نماید. زیرا وی در آن هنگام ادعای پادشاهی داشت. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۲۸۱-۲۸۰)

سکه های درون شاهی نرسی: روی سکه در نوع اول تصویر نیمرخ راست نرسی، افسر شاهی به شکل تاجک های شیار دار است، گویی بر بالای آن نصب شده است، انتهای نوار از تاجک ها بیرون شده، آرایش موی مجعد است، حاشیه لباس معلوم و دارای نقش های مروارید دوزی است. نوشته روی سکه چنین است: [مزدیسن بگی نرسهی ملکان ملکا (شاهان شاه) ایران و انیران منوچیتری من (هچ) یزدان] بغ مزداپرست خدایگان نرسی، شاهان شاه ایران و انیران که چهر از ایزدان دارد. نوع دوم تصویر نیمرخ راست با افسر شهریاری به همان شکل که یاد شده ولی نقش و نگار حاشیه لباس او شامل سه شاخه خرما است. آرایش مو به شکل گیسوان سخت بافته ای می باشد که بر شانه ها نیفتاده است. جنس سکه نوعاً یک درهمی است، پش سکه تصویر آتشگاه دارای ستون بلند با پایه و آتشدان است که از قطعات راست گوشه تشکیل یافته است. از آتشدان شعله زبانه می کشد. گرداگرد ستون آتشگاه نوارهایی دیده می شود، در دو سوی آتشگاه دو پیکر دیده میشود که هر یک شمشیری در دست دارند، یکی از آنها اهورامزد و دیگری خرسی با افسر شهریاری است. نوع دوم فرعی همانند نوع اول، یکی از تصویرهای دو سوی آتشگاه از اهورمزد و دیگری از شاهپور اول

است. در سمت راست شعله [نشانه شاهی] و در سمت چپ [نشانه جانشین شاهنشاه] دیده می شود. در نوع فرعی ستون آتشگاه بدون نوار و نشانه است و نوشته پشت سکه چنین است : [نورا زی نرسهی] یعنی آتش نرسی.

در رابطه با تربیت زمانی سکه ها : افسر شهریاری نوع اول همانند افسر شهریاری نرسی در تصویر ویژه تاج گذاری اودر نقش رستم است. افسر شهریاری نرسی در این سکه قدیمی تر از افسر شهریاری او در سکه های نوع دوم است. نخست این سکه ها را از بهرام سوم پسر بهرام دوم می دانستند. در برخی از این سکه ها نوشته با دقت نقر شده ، زیرا در اکثر سکه های نرسی نوشته بسیار خشن است و تقریباً قابل خواندن نیست. (محمدجواد، مشکور، ج ۴ ، ۱۳۶۷ ، ص ۲۸۲- ۲۸۱)

سیمای نرسی بر سکه هایش این چنین است: صاحب تاج مخصوص بسیار زیبایی که لبه زرین و بلند و شیار داری داشته و دور آن از مروارید و گوهر مزین بوده ، بر روی تاج گوی مدوری است که دارای پوششی زربفت و جواهرنشان است. بر پشت گوی شاخه ای به شکل برگ زرین قرار گرفته و در پشت تاج نوارهای چین دار شاهی در اهتزاز است. در صفحه نقش رستم گوی تاج بسیار بزرگ به نظر می رسد و از روی سکه ها و همچنین کتیبه ها پیداست که وی قیافه ای مردانه و ابروانی پهن و بینی کشیده و سبیلی بلند و ریشی انبوه داشته و موهای فراوان و تاب دارش بر روی دوش ریخته بوده است. یقه لباس او حاشیه ای پهن داشته که از گلهای جواهرنشان زینت یافته و بر روی شاخه راست گل مدوری جواهرنشان قرار گرفته ، در لبه لباس رویی حاشیه زربفتی مشاهده می شود. بر روی قبای او روی شانه تکمه شمسه داری قرار دارد ، بر روی قبا کمربندی بسته شده است. تزئینات دیگر لباس و شلوار همانند سایر پادشاهان ساسانی است. (همان، ص ۲۸۳)

سکه های هرمزد دوم (۳۰۹ - ۳۰۲)

سکه هایی از این پادشاه ساسانی غالباً منقوش به صورت شاه و شهبانو است. (همان ، ص ۲۸۹) و باید ذکر کنیم که برخی از سکه های هرمزد دوم صورت زن را دارا می باشد. (سعید، نفیسی ، ۱۳۸۳ ، ص ۳۹۰)

در سکه های هرمزد تصویر نیمرخ راست او با شهریاری [افسرشاهی] دارای تاجک های متعدد است. بر افسر شاهی او تصویر پرنده ای وحشی با مرواریدی در منقارش نقش شده است. نوشته روی آن : [مزدیسن بگی او هرمزدی ملکان ملکا (شاهنشاه) ایران و انیران منوچتری من (هج) یزدان] یعنی بغ مزداپرست هرمزد شاهنشاه (شاهان شاه) ایران و انیران که چهر از ایزدان دارد.

پشت سکه ها نقش آتشگاهی است ، با ستون بلند در میان شعله های آتش تصویر اهورمزد دیده میشود. در دو سوی آتشدان دو تصویر است ، یکی صورت اهورمزدا و دیگری از هرمزد در حالیکه افسر شاهی بر سر دارد . نوشته بر آن : [نورا (آتخش) زی اهورمزدی] یعنی آتش هرمزد. جنس سکه غالباً یک درهمی تا چهار درهمی مسین است.

سیمای هرمزد روی سکه هایش این چنین است: هرمزد دارای صورتی جذاب و چشمانی گیرا و قیافه ای نجیب و کشیده و دارای سبیل و ریش انبوه و موهای پرشکن بوده که بر دوش او آویخته بوده است. تاج تو به شکل عقابی است که دو بال را به طرف بالا کشیده و به نوک عقاب که بالای پیشانی واقع شده دانه گوهری است. بالای تاج گوی بزرگ زربفتی است که روی آن گلهای مثلثی شکل دارد. دور گوی و لبه تاج را رشته های مروارید فرا گرفته ، بر گردنش گردنبندی از مروارید است. حاشیه پهن قبای از جواهرات زینت یافته است. جامه ای که در بر دارد لباس سوار مخصوص شاهان ساسانی است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۲۹۱- ۲۸۹)

در مورد سکه های کوشانی - ساسانی باید بگوییم که بیشتر پژوهندگان تاریخ این سکه ها را درون پادشاهی هرمزد دوم در سالهای ۳۰۹ - ۳۰۲ میلادی می دانند. منابع این نظر سکه یک دیناری از مجموعه سکه های بریتانیا است که تا کنون چند بار انتشار یافته است. بر روی این سکه تصویر فرمانروا با کلاهی همانند سر شیر که گل نیلوفر بر آن نصب شده است دیده میشود. نوشته روی سکه چنین است : [مزدیسن بگی اوهرمزدی ربا (ورزگ) کوشان ملکا (شاه)] یعنی : بغ مزدپرست خدایگان هرمزد شاهنشاه بزرگ کوشان. بر پشت سکه منظره تاج بخشی از سوی ایزد کنار آتشدان تصویر شده است. ایزد میترا حلقه شهریاری را به سوی فرمانروا دراز کرده است. بر بالای آتشدان نام محل ضرب سکه مرو آمده است.

کانینگهام وگیرشمن به سال ۱۹۴۸ و گوبل به سال ۱۹۵۷ تنها یک مأخذ برای نسبت دادن این سکه به هرمزد را داشتند و آن نوشته میرخواند بود. گوبل در کتاب خود درباره سکه های کوشانی ثابت کرده است که [هرمزد شاه شاهان بزرگ کوشان] همان هرمزد دوم شاهنشاه ایران (نام فرمانروایی که بر نخستین سکه کوشانی - ساسانی آمده است ، میباشد. (همان، ص ۳۳۱ - ۳۳۰)

سکه های آذر نرسی (۳۱۰)

در یکی از نسخ ترجمه بلعمی در تاریخ طبری دوره سلطنت آذر نرسی شش ماه آمده است و بخاطر همین از این پادشاه ساسانی سکه ای در دست نیست. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۲۹۲)

سکه های شاهپوردوم - بزرگ نوالاکتاف - (۳۷۹ - ۳۱۰)

پشت سکه های نوع اول کوشانی - ساسانی تقلیدی از سکه های شاهپوردوم است. این سکه های یک دیناری که در مرو ضرب شده است و در پشت آن نام ضرابخانه نوشته شده است. این نوع پشت سکه ، حدود سالهای ۳۲۵ - ۳۲۰ میلادی پدید آمد و در سال ۳۹۹ م اثری از آن دیده نشد. ضرب این سکه ها مربوط به دوره جنگهای شاهپوردوم در غرب است. پشت سکه های نوع دوم نخستین بار به سال ۳۰۲ [آغاز پادشاهی هرمزد دوم] ضرب شد و در پایان پادشاهی بهرام چهارم به سال ۳۹۹ دیگر از این نوع تصویرها بر سکه ها دیده نشد. پشت سکه های نوع سوم از لحاظ جزئیات شبیه پشت سکه های دو دیناری شاهپوردوم است که در مرو ضرب شده است. در پشت یکی از آنها نوشته ای است که بنابر معمول ویژه سکه های شاهپوردوم بوده است و این عبارت بر آن دیده می شود : [نورا (آتخش) ی شهپوهری] یعنی آتش شاهپور ، دیگر دیناری است از مجموعه سکه های موزه دولتی ارمیتاژ که این نوشته بر پشت آن نوشته است : [نورا (آتخش) ی اوهرمزدی] یعنی آتش هرمزد. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۳۳۶ - ۳۳۵)

در مورد ضرب سکه ها باید بگوییم که تا زمان شاهپوردوم سکه ها را خیلی خوب زده اند و حلقه ای که در اطراف صورت پادشاه است حاشیه ای باریک باقی می گذارد ولی از آن زمان به بعد پی در پی حاشیه پهن تر میشود، زیرا که از این پادشاه ساسانی سکه های روز به روز بدتر ضرب می شده است و شایان ذکر است که بگوییم از شاهپوردوم سکه هایی از جنس مس دیده می شود و از آن زمان پول های سیاه نیز بدست آمده است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۲ و ۳۸۶ - ۳۸۵)

از بررسی هایی که در مورد سکه های شاهپوردوم بر می آید ، این نوع سکه ها در دهه ششم و هفتم سده چهارم میلادی انتشار یافته است. بر روی بسیاری از درهم هایی که از نوع دوم است بر صفحه سکه کنار نورا افسر شاهپور ، نام اختصاری ضرابخانه های غربی نوشته شده است. این سکه ها جایگزین سکه های نوع دوم شد که از لحاظ زمانی آخرین سکه های شاهپوردوم به شمار میرود. در نوع سوم بیشتر سکه های نامبرده از گنجینه های تپه مرانجان بدست آمده است. اما در مورد پشت سکه های نوع سوم بر پشت یک سکه دینار هرمزد جمله [شاهنشاه بزرگ کوشان دیده میشود] این سکه نیز در مرو ضرب شده است . گنجینه تپه مرجان شامل درهم های شاهپوردوم و اردشیر دوم و شاهپور سوم است که مجموعاً به سیصد سکه می رسد که بیشتر آنها متعلق به شاهپوردوم است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۳۳۶ - ۳۳۸)

همچنین باید گفت شاهپور دوم فرمان داد تا بر پشت سکه های او خدایانی را که بر سکه اردشیر ضرب می شد تصویر کنند . (محمدجواد، مشکور، ج ۴ ، ۱۳۶۷، ص ۲۸۷)

و همینطور باید بگوییم که دو دینار شاهپور و یک دینار هرمزد که هر سه در مرو ضرب شده اند ، از لحاظ تصویر چنان به یکدیگر شبیه اند که می توان یقین داشت که قالب این دو سکه کار یک استاد بوده است. (همان ، ص ۳۳۶)

در مورد شاهپور دوم باید گفت که نام شاهپور دوم معروف به ذوالکثاف که پیروز به معنای فاتح نیز معرفی می شود، کسی است که سکه های کوشانی - ساسانی را رواج داده است. (همان، ص ۳۳۱)

سیمای شاهپور دوم بر روی سکه هایش این چنین است : او دارای قامتی بلند و کمری باریک و سینه ای فراخ و بازوانی قوی و گردنی بلند و چهره ای کشیده بوده است. بینی و دهان متناسب ، چشمانی گیرا ، ریشی پر و سبیلی نسبتاً بلند و گیسوانی مجعد و افشان داشته که تا روی شانه می آمده است. جامه وی به ترتیب دیگر پادشاهان ساسانی قبای زربفت وده که در بالای آستین و نزدیک شانه دو گل برجسته دروازه پر دارد که در میان آن گوهر گرانبهای مدوری قرار گرفته است. آستین قبا بلند، مچ آن تنگ است. کمر چسبان و روی آن کمربندی هست که دارای دو نوار بلند است و شمشیری به آن آویخته شده است. شلوار او به طرز دیگر شاهنشاهان ساسانی از کمر چسبان و قسمت ساق پا چین دار و لبه شلوار دارای چین زیادی است ، غلاف خنجر شاه گوهر نشان و حاشیه قبای آن پهن و زر دوزی است که روی سینه کشیده شده و در وسط آن مدالی مدور قرار دارد. برگردن شاهپور دوم چه در نقش روی سکه ها و چه در ظروف گردنبندی از مروارید دیده می شود. تاج وی دنداندار است که لبه آن از جواهرات تزئین یافته در بالای آن گوی مدوری است که پوشش زربفت داشته و به قطعات گوهر مزین بوده است. در پشت سر دو نوار چین دار به طرف بالا در اهتزاز است. در مجمل التواریخ و القصص در وصف شمایل او چنین آمده است : [پیراهن او مورد بود و شی ، شلوار سرخ و شی بر تخت نشسته ، تبر زینی اندر دست و تاج او به لون آسمانی منقش به رنگ ها اندرمیان دو شرفه زر و صورت ماه بر نگاشته. (محمدجواد، مشکور، ج ۴ ، ۱۳۶۷، ص ۴۰۲-۴۰۱)

سکه های اردشیر دوم (۳۸۲ - ۳۷۹)

سکه های این پادشاه ساسانی که تاج و آرایش صورت و سینه او را بخوبی نشان می دهد. اردشیر مردی خوش اندام ، ورزیده و قوی هیکل و از لحاظ جسمانی نیرومند بوده ، جامه او مانند دیگر شاهنشاهان مرکب از قبای آستین دار بلند چسبان و شلواری چین دار بوده است که در پایین آن بوسیله

دو نوار پرچین و موج به کفشش گره می خورده است. در کمر وی خنجر مرصعی است که به وسیله دو نوار به کمر بند مرصعی متصل آویخته بود ، بر کمر بند نیز نوارهای زربفت چین داری آویزان است. در جلوی سینه گل بسیار زیبایی جواهر نشان نصب است و دو نوار پهن حاشیه قباى شاهنشاه را تشکیل می دهد. بر گردن او گردنبندی از مروارید آویزان است ، تاج مخصوص وی بسیار زیباست. بر روی سکه ها و کتیبه طاق بستان تاج ها تا حدی شبیه می باشند ، بدین ترتیب که تاج کلاه مدوری است که بر آن دو ردیف مروارید نشانده شده و بالای تاج گوی مدوری است و بر کلاه دو نوار چین دار و موج دیده می شود، به همین ترتیب دو نوار عریض تر در پشت سر به بالا در اهتزاز است ، قسمت پایین تاجی که بر روی ظرف کنده کاری شده ، همانند تاج روی سکه ها است ولی بجای گوی مدور دو گوی در بالای پیشانی متمایل به جلو وجود دارد و در بالای سر هلالی به شکل باز بزن یا به شکل تاج خروس جواهر نشان دیده می شود. پادشاه دارای صورتی کشیده و بینی و دهانی ظریف ، چشمانی درشت و زیبا ، ریش کوتاه و سبیلی بلند دارد ، موهاى مجعد و انبوه او بر روی شانه ریخته است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۴۱۹- ۴۱۸)

سکه های شاهپور سوم (۳۸۳-۳۸۸)

قبل از اینکه به وصف چگونگی سکه های شاهپور سوم و سیمای او روی سکه هایش بپردازیم لازم است نکته ای به اطلاع رساننده شود که برخی از سکه های این شاهنشاه ساسانی صورت پادشاه سر برهنه است و این سکه ها یگانه سکه هایی است از دوره ی ساسانی که نقش سر برهنه را دارند. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۴)

همانطور که از مطالعه ی سکه ها بر می آید ، شاهپور سوم صورتی کشیده و موزون ، بینی راست ، دهان کوچک ، چهره ای گیرا، ریشی پر و کوتاه و چشمانی بادامی داشته ، تاج وی به نوع خاصی جواهرسازی شده و مرکب از دو قسمت است : بهره زرین که زرین نسبتاً بلند است و بر آن گوه‌هایی با خطوط هندسی ترصیع شده است. دور تاج از یک ردیف مروارید پوشیده شده، در بالای تاج گوی مدوری است که پوششی از پارچه دارد و جواهر نشان می باشد. بین تاج و گوی دو نوار کوچک چین دار موج دیده می شود. بر گردن وی گردنبندی از مروارید قرار دارد و در حاشیه لباس نیز تزئیناتی زربفت مشاهده می گردد. موهای او بسیار و انبوه بر روی برو دوش او ریخته است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۴۲۹ - ۴۲۸)

سکه های بهرام چهارم (۳۹۹ - ۳۸۸)

در مورد سکه های بهرام چهارم اطلاعات کمی در دسترس می باشد و باید گفت که سیمای این شاهنشاه ساسانی بر روی سکه هایش این طور می باشد : دارای صورتی نسبتاً کشیده ، ریشی کم و کوتاه و سیبیلی دراز داشته است. موهای انبوه او بر روی شانه به صورت افشان ریخته است. در انواع سکه های وی چنین ملاحظه می شود که تاج جواهرنشان او در قسمت جلو لبه ای دندانان ای داشته که در طرفین آن دو بال عقاب قرار گرفته است. در وسط گوی مدوری است که از پارچه ای جواهرنشان پوشیده شده است. گوی در میان هلال زرین قرار گرفته است. برگردن وی گردنبندی است که بر روی سکه یک ردیف مروارید دیده می شود. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۴۴۰ - ۴۳۹)

سکه های یزدگرد یکم - بزه کار- (۴۲۰ - ۳۹۹)

از این پادشاه با اینکهبیست و یک سال پادشاهی کرده ، کتیبه ای یا نقشی بدست نیامده و مورخان ایرانی او را مردی با علم و تجربه و خرد دانسته اند و با توجه به تصویر روی سکه او ، یزدگرد چهره ای موزون و بسیار متناسب ، ریشی کوتاه و سیبیلی بلند و کشیده داشته است، به گوش گوشواره ای مزین به دو قطعه گوهر و بر گردن گردنبندی مروارید مرکب از سه حلقه داشته که یک حلقه به گردن او چسبیده و دو حلقه دیگر فرو هشته و به وسیله گلی از گوهر به یکدیگر متصل بوده است.

موهای پرچین و شکن او بر روی دوش وی فرو ریخته ، تاج او که نسبت به تاج های دیگر ساده تر و بزرگتر است ، عبارت از کلاه که در انتهای آن بر آمدگی به شکل نوار دیده می شود و بر بالای آن گویی به شکل حلزون خمیده وجود دارد ، دو قسمت تاج کنگره دار است . در انتهای گوی دو نوار موج در اهتزاز می باشد. دو نوار موج دیگر که بزرگتر است علی الظاهر به دوش او متصل است. بر روی سینه گوی های هم شکل و یکنواخت دوخته شده است و روی هم رفته پادشاه بسیار ملیح و زیبا به نظر می رسد و وصف او در کتاب مجمل التواریخ و القصص چنین آمده است : پیراهن او سرخ بود و شلوار آسمانی و تاج همچنان نیز اندر دست. (همان، ص ۴۷۱ - ۴۷۰)

سکه های بهرام پنجم - گور - (۴۳۸ - ۴۲۰)

در رابطه با سکه های بهرام پنجم ملقب به بهرام گور باید این نکته را مطرح کنیم که از زمان این پادشاه ساسانی به بعد بیشتر سکه ها القاب پادشاهان را ندارد و تنها یک کلمه نام پادشاه در آنها وجود

دارد و در موردسج این سکه ها باید ذکر شود که در روی آنها کلمه یزدانی به چشم می خورد که این کلمه از زمان های قبل از این پادشاه وجود داشته و تا زمان بهرام پنجم دیده می شود. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۴ - ۳۹۳)

سیمای بهرام پنجم بر روی سکه هایش که البته سکه های این پادشاه غالباً بد ریخت و ناهموار است و در شهرهای مختلف چون تیسفون، همدان، اصفهان، آربل، نهاوند، آشور، خوزستان، ماد و کرمان ضرب شده است. عموماً بر آن این عبارت: [مزدیسن بگ ورهران ملکا] یعنی خداوندگار بهرام مزداپرست سر بهرام در جلو و عقب تاجی دندان دار دارد و در میان جلو و عقب یک هلال و یک دایره است که علامت ماه و آفتاب می باشد. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۵۵۷)

سکه های یزدگرد دوم (۴۵۷ - ۴۳۸)

در سکه های یزدگرد دوم که دارای شکل کوتاه ... (نام) ... Mzdysn bgy kdy [مزداپرست، خدایگان ... (نام)] هستند و هنگامی که این نوشته بکار می رود، بقیه لقب نخستین حذف می شود. نام، همان نام پادشاه است که باید قرار گیرد. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۴۳۷)

لازم به ذکر است که سکه های یزدگرد تا حدی مانند سکه های پدرش بهرام گور است. فرقی که دارد، آن است که تاج کنگره دار یزدگرد کاملتر از تاج پدرش می باشد. عبارتی که بر مسکوکات او آمده است: [مزدیسن کدی یزدیکرتی Mazdisn kadi yezdikerti] که به معنی یزدگرد بزرگ مزداپرست است. این سکه ها دارای علامت ضرب خوزستان، تیسفون و نهاوند می باشد. غالباً در حاشیه سکه های ساسانی از اردشیر تا یزدگرد دوم کلمه آتش [آتخش] دیده می شود و اسم پادشاه در دنبال کلمه آتش بجای مضاف الیه ضرب شده است.

در رابطه با طرح سکه ها چهره یزدگرد به طور کامل مشاهده می شود. بینی او کوتاه و چشمانش نسبتاً ریز، صورتش کشیده و ریشی کوتاه دارد. تاج او دارای سه کنگره است که هر کنگره دارای سه دندان می باشد، بر بالای آن هلال ماه. موهای او بلند و بر پشت گردنش ریخته و نوار حاشیه دار و پرچین او که در همه تاج ها دیده می شود تا پشت کمر او آمده است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷ ص ۵۸۱ - ۵۷۹)

سکه های هرمزد سوم (۴۵۹ - ۴۵۷)

پادشاهی هر مزد سوم به عنوانی که بیش از دو سال حکومت نکرده است ولی با این حال سکه ای به نام خود ضرب کرده است و سکه او همانند دیگر پادشاهان ساسانی دارای مشترکات و ویژگی های معینو خاص می باشد که تصویر سکه او در همین کتاب محمد جواد مشکور آمده است ولی توضیح نداده اند و صنایع موجود در رابطه با سکه های این پادشاه مطلبی ندارد. (محمد جواد ، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۵۸۷)

سکه های پیروز یکم (۴۸۳ - ۴۵۹)

از پیروز سکه هایی پیدا شده که بر روی آن عبارت [مزدیسن کدی پیروزی] منقوش است. یعنی خداپرست ، پیروز ، سکه های او عموماً خشن می باشد. بر روی سکه ها گوشواره ای سه آویز و در پشت آن نقش آتشکده و شعله آتش و یک هلال دیده می شود. همچنان از پیروز دو نوع سکه با دو نوع تاج در دست است ، یکی تاج کنگره دار که در بالای پیشانی به صورت هلال ماه قرار دارد و هم بر بالای کنگره هلال دیگری است که در درون گوئی پوشیده از پارچه زربفت جای گرفته است. در تاج زیبای دیگری که جنبه تزئینی آن بیشتر است ، علاوه بر کنگره بو بال زرین در طرفین قرار گرفته است که علی الظاهر نشان دهنده بال های افسانه ای است . تصویر پیروز می رساند که او مردی بوده بسیار زیبا ، دارای عارضی کشیده ، بینی بلند ، ابروانی پیوسته و چشمانی درشت و ریشی نسبتاً کوتاه . (همان ، ص ۶۲۸ و ۶۲۶)

و همین طور بر روی سکه های این پادشاه ساسانی علاوه بر نقش خود ، نام سوپرای را هم نقش کرده اند و پیداست در آن موقع سوپرای مقام نیابت سلطنت را داشته است. در برخی از سکه ها نام پیروز نیست و تنها نام سوپرای است و در برخی دیگر در کنار نقش پادشاه ، سیمای کس دیگری است که می بایست همان سوپرای می باشد. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۴)

لازم به ذکر است که بگوئیم پیروز نیز همانند یزدگرد دوم بر روی سکه هایش دارای شکل کوتاه ... (نام) ... Mzd ysn bgy kdy [مزدپرست ، خدایگان ... (نام)] هستند. هنگامی که این نوشته به کار می رود بقیه لقب نخستین حذف می شود و نام داخل پرانتز هم ، همان نام پادشاه یعنی پیروز اول نوشته می شود. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۴۳۷)

این نکته قابل ذکر است که بگوئیم از سال سوم سلطنت همین پادشاه ساسانی یعنی پیروز اول ، تاریخ نوشتن روی سکه های ساسانی معمول گشت و تاریخ را در پشت سکه و در طرف چپ نقش آتشدان و به حروف نوشته می شده است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۸)

سکه های بلاش (۴۸۷ - ۴۸۳)

بر روی مسکوکاتی که از بلاش به دست آمده نقش سر پادشاه با تاج کنگره دار معمولی که در بالای آن شکل هلال و گویی مدور آمده است مشاهده می شود. ریش پادشاه کوتاه و مجعد می باشد و گوشواره های او دو آویز است. از شانه چپ او شعله ای زبانه می کشد. بر روی سکه عبارت : [کدی ولخشی Kadi valakhshi] یعنی شاه و لاش ملاحظه می شود. سر پادشاه در شعله ای که حاکی از فروغ ایزدی است نمایان است و در دو طرف او ستاره ای دیده می شود و نمونه ای از تاج او بر روی سکه هایش تاجی کنگره دار با لبه ای پهن است که دو ردیف مروارید در آن نشانده شده ، در بالای کنگره وسط هلال ماه گویی مدور جا گرفته ، زیر گوی دو نوار کوتاه و در عقب تاج دو نوار بلند موج چین دار در اهتزاز است . شاه چشمانی درشت و ابروانی گسسته ، بینی کوتاه ، سبیلی زیبا و نسبتاً کوتاه و ریشی اندک دارد ، گیسوان او بر دوش های او ریخته است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۶۴۵ - ۶۴۴)

نکته مهم در مورد این پادشاه ساسانی این است که تنها پادشاه این دوره باشد که از شانه چپش زبانه آتش بلند می شود و همین طور که در بالا ذکر کردیم ، در تصویر سکه هایش نیز این نشانه دیده می شود و معنی این نشانه روشن نیست. شعله هایی که از شانه بر می خیزد تا آن زمان تنها در میان کوشان شاهان معمول بوده است. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۴۳۳)

بلاش در سکه هایش دارای عبارت ویژه [HWKL Wld (s)] پادشاه شایسته بلاش] است. (همان ، ص ۴۳۷)

سکه های قباد یکم - کوات ، کواذ - (۴۹۸ - ۴۸۷)

قباد یکی از پادشاهان بزرگ ساسانی است که دو بار یعنی قبل و بعد از جاماسب ، پادشاهی دوره ساسانی را برعهده داشت. قباد یا کواذ چون عمری دراز کرده مسکوکات بسیاری از او در دست است و بیشتر آنها شبیه به سکه های جاماسب [زاماسب] می باشند ، جز آن که به قدر سکه های آن هلال و ستاره ندارد. عبارت روی سکه کلمه [کوات kavat (قباد)] یا [کوات افزونی kavat afzuni] یعنی قباد افزون باد] در پشت سکه ها محل ضرب آنها و سال های پادشاهی او یاد شده است و از قباد بیش از سه تصویر در دست نیست و در هر سه چهره او یکنواخت است. نخست تصویری که بر روی سکه های دوره اول سلطنت او به دست آمده و دیگر سکه هایی که از دوران دوم پادشاهی اوست و دیگر سر مجسمه ای که اکنون در موزه شیکاگو است . غیر از این سه تصویر

، تصویر چهارمی نیز از او بر روی نگین انگشتری نقر شده است. همانطور که از روی تصاویر پیدا است شاه چهره ای گرد با گونه ای برجسته و چشمانی درشت و بر آمده ، بینی نسبتاً پهن ، گردنی بلند ، سبیلی دراز و ریشی کوتاه داشته است. تاجی که در نقش نگین و مجسمه دیده می شود مربوط به دوره اول پادشاهی اوست و آن تاجی است دندانان دار که در جلوی آن در عوض دندانان ، هلال ماه قرار گرفته است. در مورد این دو نقش نگین و مجسمه صحبت کردیم ، چون گفتیم شباهتهایی با سکه های این پادشاه دارد و حال در مورد تاج روی سکه های دوره دوم سلطنت قباد اول که باید بگوییم بسیار زیبا بوده و قسمت اصلی تاج دندانان دار است که در جلوی آن هلال ماه قرار گرفته و لبه آن از مروارید و در گوهر زینت یافته است ولی در قسمت بالای تاج گوی بزرگی که پوشش آن زربفت است واقع شده که در طرفین آن دو نوار چین دار به سوی بالا دیده می شود. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۷۲۰ - ۷۱۸)

لازم به ذکر است که در پشت پاره ای از مسکوکات قباد یعنی کوات به جای آتشدان نقش کسی است که ایستاده و چنبری بر دست دارد یا کسی است ایستاده که بر شمشیری تکیه کرده است و شاید بتوان گفت این سکه ها از آن دوره کوتاهی است که کوات مزدکی بوده است. (نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۰)

بر یک دینار قباد نقش [$y b \quad n y \quad p z w \quad (t ?)$] جوانی بالا گرفته برای توانایی] و بر یکی دیگر [$p z w n$ ، فزون] ضرب شده است. (احسان، یارشاطر ، ۱۳۷۳ ، ص ۴۳۷)

سکه های جاماسب (۵۰۲ - ۴۹۸)

از جاماسب مسکوکاتی در دست است که بر آنها صورت شاه ضرب شده است و او دارای تاجی کنگره دار است کهبر آن گوی مدور قرار گرفته ، اما در جلوی تاج صورت هلال قرار دارد و دنبال تاج بر روی شانه های پادشاه افتاده و در دو جانب سرش ستاره ای است. بر روی هر یک از شانه های او هلالی مشاهده می شود ، در بیرون دایره دو سکه مرواریدی با صورت سه ستاره دیده می شود. پشت سکه نقش آتشکده ای قرار گرفته و در هر دو طرف آن ستاره هلالی مشاهده می شود. عبارت روی سکه را که می توان خواند چنین است : [بگی زاماسب] یعنی خداوندگارجاماسب. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۶۹۵)

نکته مهم اینکه در برخی از مسکوکات جاماسب در طرف راست نقش کوچکی از سیمای مرد ریشداری است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۰)

سکه های خسرو یکم - انوشیروان ، دادگر - (۵۷۹ - ۵۳۱)

خسرو بطوری که از مسکوکات وی پیداست بنابر رسم زمان دارای سبیل و ریشی نوک دار است و بر گردن او گردنبندی از مروارید بسته شده است. بر فراز تاج بالدار او گویی است که در هلالی قرار دارد. سکه های خسرو با ردیف منظمی در دست است، در این سکه ها تصویر خسرو نیمرخ و یا تمام رخ مشاهده می شود. علاوه بر این از دوران سلطنت پدر وی [قباد] سکه ای موجود است که تصویر او در دوران ولیعهدی بر پشت سکه پدر کنده شده است. در سکه های انوشیروان تصاویر جوانی و پیری وی را می توان مشاهده کرد. در مسکوکات سال های آخر سلطنت وی ، شاه چهره ای گرد و بینی پهن ، چشمانی درشت و با نفوذ ، ریشی انبوه و سبیلی بلند دارد. بر تمام سکه ها نقش نیم تنه بسیار زیباست. بر حاشیه لباس دو ردیف جواهر نشانده شده و اغلب گردنبندهای مروارید او دارای مدالی با دو آویز مرصع است. تاج خسرو انوشیروان دنداندار است که در قسمت جلوی هلال ماه و دور لبه تاج مزین به مروارید و گوهر می باشد ، بالای تاج هلال دیگری است که درون آن گویی به مانند شعله نمایان است. (محمدجواد، مشکور، ج ۵، ص ۹۱۵ - ۹۱۴)

از زمان خسرو انوشیروان در سکه ها کلمه [اپستان] هم دیده می شود که به معنی معتقد به اوستا است. چنان می نماید که این کلمه را پس از برانداختن مزدکیان که دوباره روحانیان زرتشتی نفوذ بسیار بهم زده اند بکار برده اند. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۵)

نکته بسیار مهم اینکه تنها از زمان خسرو اول سکه ای به دست آمده که در حاشیه آن چیزی نوشته شده اما تاکنون نتوانسته اند آن را بخوانند و همان نقش سه جا در حاشیه مکرر شده و این می رساند که رمزی بوده است که سه بار تکرار شده است. (همان ، ص ۳۸۷)

سکه های هرمزد چهارم - ترک زاد - (۵۹۰ - ۵۷۹)

هرمزد در مسکوکاتش سرش را مانند سر پدرش اما جوانتر نشان داده و در کنار سکه ستاره ها و هلال ها نقش کرد و در بیرون کناره نیز ستاره و هلالی دیده میشود و همچنان بر روی سکه عبارت: [او هرمزدی افزون Auhramazd-i Afzun] و در بعضی دیگر [او هرمزدی افزود Auhramazd-i Afzud] مشاهده می گردد. در پشت مسکوکات علامت آتشکده و نقش هیربدان و محل ضرب سکه وجود دارد.

از مسکوکات هرمزد چنین معلوم می شود که او مردی لاغر اندام بوده و چهره ای کشیده و باریک با گونه ای فرو رفته و چشمانی تیز ، بینی خرد ، گوشه بزرگ ، سبیلی کوتاه ، ریشی اندک و مویی کم پشت داشته است. حاشیه قبای او در سه ردیف جواهردوزی بوده و بر گردن او گردنبندی از مروارید قرار داشته که در وسط گردنبند در بعضی از نقوش یک مدال با دو آویز دیده می شود. بر گوش او گوشواره ای با آویز بلند قرار داشته است. تاج هرمزد چهارم گرچه شباهت زیادی به تاج پدرش خسرو انوشیروان دارد ، اما بدان زیبایی نمی باشد. تاج او کنگره دار بوده و در میان آن کلاهی مدور و بلند قرار داشته و درون کلاه هلال ماه و گوی شعله مانند واقع بوده است. بین هلال ماه و تاج نوار کوچکی در اهتزاز بوده ، لبه تاج در سه ردیف با جواهری گرانبها و مروارید مزین بوده و پشت لبه سه نوار کوچک با سه قطعه گوهر قرار داشته است. (محمد جواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۹۸۲)

سکه های بهرام ششم - بهرام چوبین - (۹۵۱ - ۹۵۰)

از بهرام چوبین مسکوکاتی در دست است که چون پیش از او پنج تن از ساسانیان به نام بهرام سلطنت کرده اند او را بهرام ششم باید دانست. از شهر براز که به گفته ای چهل روز و به گفته دیگر یک سال در آنجا پادشاهی کرده و او را در همانجا کشته اند ، سکه هایی است که نام او را در آن [سرپراز] نوشته اند و در برخی از سکه های او به خط عربی کلمه [الحمدالله] نوشته شده و پیداست از سکه هایی است که در دوره اسلامی تقلید کرده اند و اینکه از شهر براز سکه دارد خود دلیل بر آن است که یک سال سلطنت کرده و اگر تنها چهل روز پادشاهی کرده بود، به آن نمی رسید که به نامش سکه بزنند. (سعید، نفیسی ، ۱۳۸۳، ص ۳۹۵)

نکته جالب اینکه از بهرام نام برده نشده است. از دارالضرب های سکه ها روشن می گردد که سپاهیان بهرام بر چه سرزمینهایی تسلط داشته اند و این دارالضرب ها اعم از : مرو (نیشابور)، ری و تسیفون بوده اند. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۹۸۵)

با این حال با کوتاهی دوران سلطنت این پادشاه ساسانی سکه هایی در دست است که بر طبق آنها صورتی کشیده ، عارضی باریک ، بینی کوچک و چشمان بانفوذ داشته و تاج وی نظیر تاج هرمزد چهارم می باشد با این تفاوت که کمی کوتاهتر است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۹۸۶)

سکه های بستم (۵۹۵ - ۵۹۱)

در رابطه با مسکوکات این پادشاه ، باید بگوییم که نام بستم بر سکه ها [Wistahm] ویستهم و در پارسی زبان [Bestahm] بستهم و در عربی [بسطام] و صورت دیگر آن در پارسی [گسته] است. (محمدجواد، مشکور، ج ۴، ۱۳۶۷، ص ۹۸۸)

بستم خود را در مسکوکاتش [پیروچ] وستهم خوانده است. سکه های او بسیار کم است. موردتمان که نخستین بار این سکه ها را معرفی کرد ، فقط هفت عدد از آنها را شناخته است که بر آن رقم سالهای دوم ، سوم ، چهارم و ششم از بستم نقش است. با توجه به سکه ها ، بستم چهره ای مردانه ، چانه ای پهن ، چشمانی درشت و با نفوذ ، سبیلی بلند و ریش انبوه داشته و موهای بلند و پرپشت سر او در زیر تاج تا روی شانه می رسیده و تزئینات سینه و گردنبنند او نظیر تزئینات هرمزد چهارم می باشد. تاج وی با مختصر اختلافی به همان ترتیب است ، جز آن که بر بالای تاج در وسط هلال در عوض گوی شعله مانند ستاره ای قرار داشته است. (همان ، ص ۹۹۰)

بستم غاصب دارای شکل ویژه [Pylwc wsthm] - بستم پیروز - است . پس از یازدهمین سال پادشاهی خسرو دوم و تنها در پادشاهی او واژه [Pd] - نیایش - در ربع دوم حاشیه روی سکه یافت می شود ، اما این واژه در هر سال به چشم نمی خورد و هر سکه خانه ای نیز به ضرب آن نمی پرداخت. (احسان، یارشاطر ۱۳۷۳ ، ص ۴۳۷)

نکته بسیار مهم اینکه بهرام ششم یا بهرام چوبین و بستم جزء زمامدارانی بودند که از سلسله ساسانی ها نبوده ولی با جنگ و درگیری های آن دوران بر تخت سلطنت نشسته و توانستند بر سلسله ساسانیان و بر کشور آنها حکومت کنند ، هرچند که زمان پادشاهی آنها کوتاه بود. (اردشیر، خدادادیان، ۱۳۸۴ ، ص ۱۳۸)

سکه های خسرو دوم - پرویز - (۶۲۷ - ۵۹۵)

همان طور که گفتیم قبل از خسرو پرویز دو پادشاه که از سلسله ساسانیان نبودند ولی با درگیری هایی به سلطنت نشسته بودن که ذکر آنها در صفحات قبل بیان شده است ، با این حال زمان پادشاهی آنها در سال های مشترکمی باشد که ما در این تحقیق موظف هستیم فقط به ذکر سکه های ساسانیان و پادشاهان آن بپردازیم.

در زمان خسرو پرویز (خسرو دوم) یعنی از سال ۵۹۰ به بعد با همه شکوه و جلالی که سلطنت او داشته ، سکه به منتهی درجه بد شده و تا پایان دوره ساسانی به همین حال باقی مانده است. از سکه های طلای او پیداست که کوشیده است سکه خود را به سکه امپراتوران بیزنتیه نزدیک کند اما دنباله این کار را نگرفته اند. از زمان خسرو پرویز به بعد خطوط سکه ها نیز تغییر نکرده و اگر سوابق حروف در سکه های قدیم تر موجود نبود ، خواندن آنها محال بود. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۵)

در دوره خسرو پرویز قالب سکه مهری بوده است که روی نقره ورقه کرده می گذاشتند و با چکش آن را فرو می کرده اند. گذشته از ماه و ستاره اغلب در حاشیه سکه خطی هم هست که سکه شناسان اروپایی به واسطه دشواری های خط پهلوی اغلب درست نخوانده اند و امروز دیگر تردیدی نیست که [افزوتو] و [افزوتن] به معنی افزوده و افزودن باید خواند و چون گاهی این کلمه را پیش از نام پادشاه هم آورده و مثلاً [افزوتو هو سروی] یعنی افزوده خسرو نوشته اند. پیداست که دعایی است برای درازی عمر پادشاه و بقای او و گاهی افزون نوشته شده ولی هم چنان که حاشیه پهن و ماه و ستاره در اواخر دوره ساسانی معمول بوده ، نوشتن این کلمات هم در همین دوره معمول شده است. اما چنان می نماید که این گونه سکه ها بیشتر تقلیدهایی است که در دوره اسلامی از سکه های ساسانی کرده اند.

در دوره عربها باید بدانیم که سکه خسرو پرویز در ایران زده می شده است ، مخصوصاً در منطقه طبرستان این کار انجام می شده و حتی به زبان پهلوی نوشته می شده است. (همان ، ص ۳۸۷ - ۳۸۶)

سکه های ویژه دیگری که در پادشاهی خسرو دوم ضرب شدند یا نیم تنه ایزدبانو آناهیت را در هاله ای از شعله هایی نشان می دهند یا تصویر ایستاده پادشاه را. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۴۳۴)

همین طور که در صفحات قبل ذکر کردیم در دوازدهمین سال پادشاهی قباد واژه Pzwn (افزون) را بر روی سکه ها ضرب کردند که یک نوآوری محسوب گشت ، این فاعده تا فروپاشی دولت ساسانی باقی ماند و فقط خسرو پرویز ساسانی بر آن پندار نگاری Xwarrah = GDH (شکوهمند) را اضافه کرد. علاوه بر آن بر پادشاهی خسرو دوم پریرز، بر دینار سال بیست و یکم و بر دراهم های سال های ۲۶ ، ۲۷ ، ۳۶ و ۳۷ نقش Yln Pzwt nyt (ایران نیرومند شده است) خورده است ، با تصویر آناهیت در هاله ای از آتش و بر دو دینار سال سی و سوم و سی و چهارم جمله ای: yln pybym kltl (آن که ایران را از ترس می رهاند) آمده است.

سکه های خسرو دوم بازتاب وضع بحرانی کشاکش با بیزانس و فروپاشی نخستین امپراتوری است که فتوح عرب بر آن مهر پایان زد. (احسان، یارشاطر، ۱۳۷۳، ص ۴۳۷)

در رابطه با سیمای خسرو پرویز بر روی سکه هایش باید گفت که تصویر وی نیمرخ و برخی تمام رخ نشان می دهد. بر روی بعضی سر پادشاه به طور نیمرخ که تاجی بر سر دارد دیده می شود و هلالی بر آن قرار دارد و ستاره ای در میان آن و در انتهای آن دو رشته مروارید دیده می شود که تاج را فرا گرفته اند و در خارج آن در حاشیه سه شکل، هلال و ستاره نقش شده و این عبارت بر آن نقر گردیده است: (خسروی افزود Khusrui afzud). پشت سکه تصویر معمولی آتشکده و محافظان آن مشاهده می شود و اطراف آن سه رشته مروارید قرار دارد و در حاشیه بیرون از رشته های مروارید چهار هلال و ستاره رسم نموده اند و همچنان یک نسخه که از او پیدا شده است که نسبتاً کمیاب است و روی آن چهره پادشاه نمودار و در طرفین آن هلال و ستاره و عبارت: (خسروی ملکان ملکا افزود Khusrui Malkan Malka afzud) یعنی خسروشاهنشاه فزاینده باد، خوانده می شود.

سکه های قباد دوم - شیرویه - (۶۲۷ - ۶۲۹)

در رابطه با مسکوکات قباد دوم شیرویه باید بگوییم که مادر وی مریم دختر موریس امپراتور روم بود، بنابراین می توان حدس زد که چهره او از شبیدی و گلگونی و زیبایی رومیان نشان داشته است و سکه های او نشان می دهد که شخصی درشت اندام بوده و سبیلی بسیار بلند و تاب دار داشته که در دو طرف چهره تا نزدیکی های گوش ادامه داشته است، ریش کوتاه و کم مو و نازک، بینی درشت و برآمده و چشمانی خشن داشته است. موهای سر او بلند بوده و مقداری از آن تا پشت گردن می آمده است. بر گوش گوشواره ای داشت که سه گوی به آن آویزان بوده است، بر گردن وی گردنبندی از مروارید در دو ردیف که در میان آن آویزی بوده، دیده می شود. تاج او شباهت نزدیک به تاج خسرو انوشیروان داشته است و کنگره دار بوده و لبه های آن با دو ردیف مروارید مزین بوده است، بالای تاج صورت هلال ماه بوده که درون آن گویی مانند شعله قرار داشته است، بین هلال و قسمت مدور تاج دو نوار آویزان بوده و بر روی شانه چپ او گلی جواهرنشان قرار داشته که از کنار آن نوارچین داری در اهتزاز است. (محمد جواد، مشکور، ج ۵، ۱۳۶۷، ص ۱۱۹۴-۱۱۹۵)

سکه های اردشیر سوم (۶۲۹)

بعد از قباد دوم یا شیرویه، پسرش اردشیر بن شیرویه (اردشیر سوم) به سلطنت رسید و یک سال

و شش ماه بیشتر سلطنت نکرد. بنابراین از این پادشاه ساسانی مسکوکات زیادی در دست است که در ضرابخانه های متعددی ضرب شده است. تمام سکه ها حاکی از زیبایی چهره اوست. بر روی سکه تصویر نیمرخ شاه با چهره ای گرد، بینی و دهانی متناسب، چشمان درشت و زیبا، ابروانی هلالی نقش شده و برگوش او گوشواره ای با آویز درشت قرار دارد. موهای مجعد او در پشت گردن تا روی شانه ها افشان است، بر برگردن وی گردنبندی با دو ردیف مروارید می باشد که در وسط گردنبند مدال مدور زیبایی با سه آویز قرار دارد، حاشیه بالای جامه از دو ردیف جواهر مزین بوده، روی شانه ها ماه و ستاره نصب شده است، تاج وی بسیار زیبا و شبیه به تاج جدش خسرو پرویز است، این تاج کنگره دار و لبه آن با دو ردیف مروارید مزین شده، بالای تاج دو بال عقاب نصب است و در وسط آن هلال ماه و در میان هلال گوی شعله مانندی جای دارد. (محمدجواد، مشکور، ج ۵، ۱۳۶۷، ص ۱۲۵۴-۱۲۵۳)

قابل ذکر است که از اردشیر سوم مسکوکاتی از جنس برنج نیز دیده شده است. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۵)

سال ۶۲۹ میلادی که سال پادشاهی اردشیر سوم می باشد، پادشاهان دیگری هم به سلطنت نشستند ولی چون زمان حکومت آنها بسیار کم بوده، از خود سکه ای به جا نگذاشته و به گونه ای اصلاً گویا سکه ای به نام خود ضرب نکرده اند، این پادشاهان عبارتند از: شهروراز (شهربراز)، خسرو سوم و جوانشیر. (محمدجواد، مشکور، ج ۵، ۱۳۶۷، ص ۱۲۵۸-۱۲۵۵)

سکه های بوران دخت (۶۳۰)

مسکوکاتی که از بوران دخت به جا مانده تصویر این ملکه ساسانی را که بسیار زیبا بوده را به ما نشان می دهد. وی دارای صورتی کشیده، نگاهی گیرا و کونه ای برآمده و دماغ و دهانی متناسب و گیسوانی بلند و حلقه دار که بر طرفین صورت و پشت سرافتاده بوده است، بر روی گیسوان گلهایی از جواهر قرار داشته است و در دو رشته مروارید که در وسط آن آویزی نصب بوده بر گردن داشته است. بر سینه اش نزدیک به شانه های روی لباس دو گل زرین به شکل هلال ماه و ستاره نصب بوده است. تاجی با شکوه داشته که حاشیه زرین و لبه بالای آن با مروارید مزین بوده و بر روی تاج سه قطعه گل جواهرنشان نصب بوده و در بالای تاج دو بال زیبای زرین قرار داشته که وسط دو بال هلال ماه بوده و درون هلال گویی مدور واقع بوده است. نولدکه می نویسد: «بوراندخت مدت کوتاهی را که تا آغاز سال نو (۱۷ ژوئن) مانده بود جزو سلطنت خودنشمرده است زیرا تنهامسکوکاتی

که از او می شناسیم رقم سال یکم را نشان می دهد و مقصود از آن بایستی همان سالی باشد که با ۱۷ ژوئن سال ۶۳۵ میلادی آغاز می شود ، زیرا هفته پیش از آن برای قالب ریزی ضرب سکه تازه کافی نبوده است .» به هر حال مدت سلطنت این زن را یکسال و چهار ماه و یا یکسال و شش ماه نیز نوشته اند. (محمدجواد، مشکور، ج ۵ ، ۱۳۶۷ ، ص ۱۲۶۳ - ۱۲۶۲)

بر روی سکه های این بانو- پادشاه ساسانی - (بوراندخت) کلمه ای به نام دخت که تاریخ نویسان بکار برده اند وجود ندارد و نام بوران یا پوران را [پورا آن] نوشته اند. در سکه های این ملکه سیمها و زیورها زنانه نیست و دلیلی که آورده اند این است که صنعت در آن زمان تنزل کرده بود و نمی توانستند جز آن که از پیش معمول شده بود نقشی بسازند، چون وگرنه ممکن بود پول از اعتبار سابق خود بیفتد. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۵)

سکه های آذر میدخت (۶۳۱)

در دوران پادشاهی این بانوی ساسانی که قبل از آن ، گشنسب بنده در همین سال ۶۳۱ میلادی پادشاهی کرده که گویا باز به دلایلی و شاید کوتاه بودن دوران سلطنت وی سکه ای از او در دست نیست، سکه هایی در دست است که با سکه های پوران دخت شباهت هایی را داشته و مانند آن دارای سیمها و زیورهای زنانه نیست و دلیل آن هم می توان تنزل صنعت در آن دوره و اینکه این دو ملکه نمی توانستند نقش روی سکه ها را عوض کرده و برای خود نقشی جدید بسازند و دلیل آن نیز ممکن است این باشد که اگر آنها سیمای روی سکه را زنانه می ساختند پول از اعتبار سابق خود می افتاد و عمداً سیمای این دو زن را هم مردانه ساخته اند. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۵)

علاوه بر گشنسب بنده ، هرمزد پنجم و خسرو چهارم نیز در همین سال ۶۳۱ میلادی به تخت شاهی نشسته اند (البته بعد از سلطنت آذر میدخت) و اطلاعی در مورد سکه های آنها نداریم و باز بهتر است بگوییم که شاید هیچ سکه ای در زمان آنها به همان دلایل قبلی ضرب نشده باشد. (اردشیر ، خدادادیان ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۳۷)

سکه های یزدگرد سوم (۶۵۲ - ۶۳۱ / ۲)

مسکوکات آخرین پادشاه ساسانی یعنی یزدگرد سوم نشان می دهد که وی صورتی زیبا داشته و صورتی گندمگون ، پیوسته بودن ابرو و دارای موی مجعد ، لب و دندان شیرین و خوب ، دارای سخن لطیف و با مهابت که به گفته تاریخ بیهق هرکس او را می دید بر هیبت و جذبه پادشاهی وی پی

می برد و او را نجیب ترین ملوک عجم می دانستند.

از این پادشاه ساسانی نیز سکه هایی در دست است که تصویر او را در سنین مختلف نشان می دهد. در بعضی از آنها یزدگرد نوجوانی است زیبا با چهره ای گرد و چشمان نافذ که هنوز با عارض او موی نرسته و در سکه هایی که در سال های آخر پادشاهی از او در دست است، او را سبیلی بلند و ریشی انبوه نشان می دهد. تاج وی شبیه تاج خسرو پرویز یعنی کنگره دار بوده و لبه ای جواهرنشان داشته است و روی تاج دو بال عقاب از زر و میان دو بال هلال ماه و در وسط هلال ستاره ای قرار داشته است.

صاحب مجمل التواریخ می نویسد: « یزدگرد پیراهن و شی سرخ داشت و شلوار آسمان گون و تاج سرخ نیزه اندر دست و بر شمشیر فرا خمیده و همه ملوک بنی ساسانی را موزه سرخ بوده است. (محمدجواد، مشکور، ج ۵، ۱۳۶۷، ص ۱۲۸۵)

علاوه بر آن بر مسکوکاتی که پس از انقراض ساسانیان در دوره اسلامی زده شده، سکه های یزدگرد سوم هم هست که از کلمات جدید مانند [بسم الله] و ... بر آن افزوده اند. (سعید، نفیسی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۶)

نتیجه گیری:

نتیجه ای که از این تحقیق حاصل شد، این است که متوجه شدیم مسکوکات ساسانی به عنوانی که از پادشاهان مختلف و زیادی برجای مانده، دارای مشترکات فراوانی می باشد که این اشتراک در تصویر پادشاه (صورت پادشاه) که نیم رخ راست اکثر و یا به گونه ای همه پادشاهان روی سکه ضرب شده است، در نقش آتشگاه یا آتشدان که به دلیل آیین زرتشتی ساسانیان، آتش برایشان مقدس بوده و بر همه سکه های پادشاهان در پشت آنها این نقش آتشگاه زده شده است و دیگر اینکه دوایر نقطه چین در حاشیه اکثر سکه های پادشاهان دیده می شد، معیار و وزن بعضی از سکه های پادشاهان با هم برابر بوده و در رابطه با اشتراکات نوشتاری باید ذکر کنیم که به خط و زبان پهلوی ساسانی بوده و روی سکه ها چیزهایی در رابطه با نام پادشاه و یا لقب آنها و یا در بعضی از آنها تاریخ (تاریخ ضرب سکه، به تخت نشستن و یا تاریخ برکناری از سلطنت بعضی از پادشاهان) ضرب شده است. اکثر آنها وسایل و اجسام مشترکی از قبیل: تاج، زیورآلات، و سلاح های جنگی و غیره را نیز همراه با خود روی سکه ضرب می کردند و بیشترشان نیم تنه ای از تصویر خود را روی سکه هایشان داشتند و اکثر آنها دارای جنس پولی مشترک از جمله: طلا، نقره، مس و برنج داشته و این مسکوکات را در محلی به نام ضرابخانه و یا سکه خانه ها ضرب می کردند. و پی بردیم که هر پادشاه بعد از استیلا و پیروزی بر شاه دیگر، برای استقلال و خود نمایی و نشان دادن خود که بر تخت شاهی نشستن در ضرب سکه تغییراتی هرچند ناچیز هم که بوده، بوجود می آوردند. زنانی که نیز بر تخت می نشستند، همانطور که در داخل متن توضیح داده شده نمی توانستند تغییرچندانی بر سکه ها بوجود بیاورند چون می ترسیدند سکه از ارزش خود کاسته شود، و سکه ای از آن زمان دیده نشده که تصویر زنان با زیورهای زنانه بر سکه ها نقش شده باشد. به نحوی می توان گفت که زنها همیشه چه در قدیم و چه امروزه همیشه قشر محروم واقع شده اند، خصوصاً در کشورهای اسلامی و شرقی، هرچند در کشورهای غربی نیز بهتر از این مناطق نیست.

بالاخره اینکه حکومت ۴۰۰ ساله ساسانیان علیرغم مشکلات و جنگهایی که در داخل و خارج از منطقه خود داشتند، ولی دارای تمدن، فرهنگ و هنرهای غنی بودند که برای نسل های آینده به ارمغان گذاشتند.

منابع و مأخذ :

پیرنیا، حسن ، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان ، چ پنجم ، ج اول ، تهران ، انتشارات بهزاد ، ۱۳۸۶

خدادادیان ، اردشیر ، تاریخ ایران در دوره ساسانیان ، محمد باقر وثوقی ، چ اول ، تهران ، دانشگاه پیام نور ، ۱۳۸۴

گرانوسکی ، ادوین آریدوویچ ، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز ، کیخسرو کشاورزی ، چ اول ، تهران ، بی نا ، ۱۳۸۵

مشکور ، محمدجواد ، ایران باستان - تاریخ سیاسی ساسانیان ، چ دوم ، ج چهارم (بخش اول) و ج پنجم (بخش دوم) ، تهران ، دنیای کتاب ، ۱۳۶۷

نفیسی ، سعید ، تاریخ تمدن ایران ساسانی ، عبدالکریم جریزه دار ، چ اول ، تهران ، انتشارات اساطیر ۳۹۴ ، ۱۳۸۳

وثوقی ، محمدباقر ، بررسی منابع و مأخذ تاریخ ایران پیش از اسلام ، هوشنگ خسروبیگی ، چ سوم ، تهران ، دانشگاه پیام نور ۱۳۸۳

یارشاطر ، احسان ، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت های ساسانیان ، حسن انوشه ، چ دوم ، ج سوم (قسمت اول) ، تهران ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۷۳







اردشیر سوم - ۶۳۰ - ۶۲۸ میلادی



قباد دوم - ۶۲۸ میلادی

نمونه ای از تصاویر سکه های ساسانی